

مبانی قرآنی



بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مقام معظم رهبری

محسن قرائتی - اردیبهشت ۹۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الحمد لله رب العالمین اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

مقدمه

بر همه لازم است به پیام حضرت مهدی علیه السلام توجه شود که فرمود: فقهای عادل
که مخالف هوی هستند، جانشینان ما هستند و در حوادث به آنها مراجعه کنید. «وَأَمَّا
الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللّٰهِ
عَلَيْهِمْ» (الغیبة، ص ۲۹۱)

امروز فقهی که مورد انتخاب علما قرار گرفته و وظیفه همه ما اطاعت از او است، مقام
معظم رهبری است که در حوادث واقعه باید از فرمان و پیام او اطاعت کنیم.

بهترین پیام، بعد از دهها سال تجربه و مدیریت و حکومت، بیانیه اخیری است که در ۲۲
بهمن ۹۷ از طرف ایشان صادر شده است. این نامه که نتیجه عمری تجربه همراه با تقوا
و بصیرت است، ما را بر آن داشت که گوشه‌ای از مبانی قرآنی و روایی آن را بیان کنیم و
در خط امام رضا علیه السلام قرار بگیریم که فرمود: هرگاه از ما جمله‌ای شنیدید، مبانی
قرآنی آن را از ما بپرسید، تا بدانید که سخنان ناب اهل بیت علیهم السلام برخاسته از
قرآن است.

برای این بیانیه صدها آیه و حدیث می‌توان آورد که ما مستندات بعضی از جملات را
می‌آوریم و امید داریم دیگران آن را تکمیل و خداوند آن را قبول و امت به آن نامه با یک
نگاه خاص و تکلیف‌آور بنگرند.

اگر انسان بداند سخنان، برخاسته از قرآن و حدیث و تجربه است، با اطمینان بیش‌تری
آن را عملی می‌سازد.

از خداوند، نیت پاک و استدلال روشن در سایه قرآن و روایات خواهانیم.

روح این بیانیه خوش‌بینی، امیدبخشی، ایمان به خدا و اعتماد به امت و نگاهی به تاریخ
گذشته و امکانات امروز و چشم‌انداز آینده است.

اما تاریخ گذشته!

گذشته ما، طاغوتی بود برخاسته از زور بیگانگان، که مردم را به پیروی وادار می‌کرد: «وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ» (هود، ۵۹) امام خمینی (ره) موسی‌گونه به سراغ آن طاغوت رفت: «أَذْهَبُ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (طه، ۲۴) پادشاهی مستبد که شعار فرعونی می‌داد و می‌گفت: «مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى» (غافر، ۲۹)

رژیم کودتایی! آن‌هم از نوع خارجی، نه داخلی، بدون آراء و پشتوانه مردم و هیچ‌گونه لیاقت و سابقه و کمال، همان‌گونه که علی علیه‌السلام در نامه‌ای به معاویه نوشت: «تو نه سابقه خوبی داری و نه کمالی» حکومتی خودفروخته و وابسته، همراه با آلودگی اخلاق، تبلیغات ضدارزش و انحصار بیش‌ترین خدمات به پایتخت و مناطق بزرگ، در حالی که حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) و در جای دیگر حضرت می‌فرماید: «من تقدم على قوم و هو يري فيهم من هو افضل فقد خان الله و رسوله و المؤمنين»

به جای آنکه پیامبر اعظم الگو باشد: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱) غرب را الگو قرار دادند و به جای اطاعت از خدا، مردم را با ارباب و تهدید و تحقیر به اطاعت واداشتند: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ» (زخرف، ۵۴)

عقب‌ماندگی‌های علمی، سیاسی، معنوی، آن‌گونه که قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (آل‌عمران، ۱۶۴)

خداوند انقلاب اسلامی را برخاسته از ایمان اسلامی به دست امام خمینی (ره) ایجاد کرد. مردم با اراده و شناخت و بصیرت دور امام جمع شدند و ابراهیم‌وار بت‌های موهوم را درهم‌شکستند.

بار دیگر آیه «فَجَعَلَهُمْ جُودًا» (انبیاء، ۵۸) نمود پیدا کرد. حرکت امام و پیروی مردم بر اساس ایمان و شجاعت بود، همان‌گونه که ایمان ساحران به حضرت موسی بر اساس ایمان و شجاعت بود. از تهدیدها نترسیدند و گفتند: «لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ»

(شعراء، ۵۰) و در برابر شکنجه‌ها مقاومت کردند: «وَلَنْصَبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا»
(ابراهیم، ۱۲)

خداوند نیز عنایت کرد و امام و یارانش را طبق وعده خود به انبیاء، یاری کرد: «إِنَّا لَنَنْصُرُ
رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (غافر، ۵۱)

کم‌کم انقلاب پیروز و عصر جدیدی آغاز شد. انقلابی که دین و دنیا را در کنار هم گذاشت. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری را به جای تفرقه، ذلت، قساوت، خفقان و ترکیبی از جمهوریت و اسلامیت به ارمغان آورد.

هم به آیه «وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری، ۳۸) عمل شد و هم به آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ
مِنَ اللَّهِ حُكْمًا» (مائده، ۵۰)

ناگفته پیداست که مستکبرین از این پدیده ناراحت شدند و توقع نداشتند غیر از قدرت شرق و غرب قدرتی پیدا شود و کسی راه جدیدی را بدون اعتنا به قدرتها برای خود پیش گیرد و می‌گفتند: «أَمْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ» (اعراف، ۱۲۳)

فشارها شروع شد، تدبیرها به کار افتاد، ولی خداوند هم‌چنان مردم را یاری کرد و هر چه آن‌ها تدبیر و توطئه کردند، خنثی شد: «وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»
(آل عمران، ۵۴)

با مقایسه، مسایل بهتر روشن می‌شود.

در قرآن ده‌ها آیه برای بصیرت‌افزایی از راه مقایسه آمده است. مثلاً می‌فرماید: «أَفَمَنْ
كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ» (سجده، ۱۸) و در آیه دیگر می‌فرماید: «هَلْ
يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر، ۹)

به پیروی از این اصل، مقایسه‌ای بین قبل از انقلاب و بعد از انقلاب می‌کنیم:

* از عقب‌ماندگی شرم‌آور تا پیشرفت‌های شگفت‌آور

* نگاهی به گذشته، نسبت به انواع عقب‌افتادگی‌های علمی، سیاسی، معنوی، با تحقیر و به استضعاف کشیدن، و نداشتن تجربه برای انقلاب اسلامی و در کنار همه این‌ها، همه چیز علیه انقلاب بودن، انسان را یاد خرافات جاهلی می‌اندازد. که خدای آن‌ها بت،

قحطی بر آن‌ها حاکم، مردم در جاهلیت و تحجر، دخترکشی و فضیلت‌کشی رسم، توده‌ی مردم به فکر شب و شراب و شهوت و غارت بودند.

ولی به برکت اسلام از جهل به علم، از دشمنی: «وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً» (آل عمران، ۱۰۳) به محبت: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰) از بخل به ایثار: «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ» (حشر، ۹) از تحقیر زن به کرامت زن تا آنجا که زن لقب کوثر گرفت و خدمت به او پاداش جهاد پیدا کرد: «الْكَادُّ عَلَىٰ عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کافی، ج ۵، ص ۸۸)

در مقابل آن عقب‌افتادگی‌ها، انقلاب اسلامی به مسلمین عزت و استقلال و عقلانیت و برادری و آزادی عطا کرد.

برای هر یک از این داشته‌ها، آیات و روایات فراوانی داریم.

این انقلاب به دست مرجع تقلیدی مثل امام خمینی (ره) و علمای همراه با ایشان شکل گرفت که حضرت علی علیه‌السلام وظیفه آنان را قیام علیه پرخوران و حمایت از گرسنگان قرار داد: «وَمَا أَخَذَ اللَّهُ تَعَالَىٰ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقْرَؤُوا عَلَىٰ كِظَّةٍ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳)

همین جمله حضرت علی علیه‌السلام دلیل آن است که باید مردم با رهبری علماء تشکیل حکومت و قدرت دهند، تا بتوانند از پرخوران بگیرند و به گرسنگان بدهند و بدون قدرت و حکومت این سفارش حضرت علی علیه‌السلام عملی نمی‌شود.

البته قلّه‌ای که همه باید به آن توجه کنند، عدالت جهانی به رهبری حضرت مهدی علیه‌السلام است، ولی در زمان غیبت، خود آن بزرگواران سفارش کرده‌اند که فقیه عادل مخالف هوی نزدیک‌ترین فرد به رهبر معصوم است. مخفی نماند که در هر کشوری اختلاف هست و باید یک نفر فصل الخطاب باشد.

در خود آمریکا همین که بین رئیس‌جمهور قبل بوش و رقیبش اختلاف افتاد، رئیس قوه‌ی قضاییه حرف آخر را زد. در سایر کشورها نیز باید مرجعی برای پایان دادن به اختلافات باشد که همه در برابر او تسلیم باشند.

امتیاز جمهوری اسلامی آن است که آن کسی که باید حرف آخر را بزند، باید باسوادترین، باتقواترین، عادل و بی‌هوس باشد، به گونه‌ای که هیچ تهدید و تطمعی او را به قضاوت خلاف واندارد.

ناگفته پیداست که سخن از عصمت ولی فقیه نیست، بلکه سخن از حجت بودن کلام او است، ممکن است فتوای مرجعی تغییر کند، یا دانشمندی در نوشته خود تجدیدنظر کند، یا پزشکی در نسخه خود اشتباه کند، اما همه‌ی عقلای دنیا در طول تاریخ به کارشناس خبره مراجعه می‌کنند، و سخن او را ملاک قرار می‌دهند، با اینکه می‌دانند ممکن است، درصدی خطا داشته باشد.

ما باید نگاهی به نظام خود بیندازیم، و بدانیم این انقلاب چه ویژگی‌های منحصر به فردی دارد.

ما هرگز آغازگر جنگ نبودیم. حتی به آمریکا و صدام اولین گلوله را شلیک نکردیم و به قول قرآن آنان آغاز کردند: «**وَهُمْ بَدَؤْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ**» (توبه، ۱۳)

همیشه حامی مظلومان بودیم. قرآن ما را توبیخ کرده است که چرا در حمایت از مظلومان قیام نمی‌کنید: «**وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ**» (نساء، ۷۵)

حرکت ما بر اساس وظیفه بوده و لذا هرگز منفعل و مردد نبودیم. همانگونه که تابلوی کتاب آسمانی ما، «**لَا رَيْبَ فِيهِ**» (بقره، ۲) است.

بی‌رحم و خونریز نبودیم، قرآن می‌فرماید: «**رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ**» (فتح، ۲۹)

اگر خطایی پیش آمده، آماده اصلاح و تصحیح هستیم. زیرا امام سجاد علیه‌السلام از خدا می‌خواهد از راهنماها پیروی کند: «**وَ مَتَابَعَةَ مَنْ أُرْشَدَنِي**» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰)

بی‌انصاف نبودیم. زیرا قرآن به ما آموخته است که حتی در انتقاد از شراب و قمار از منافع مادی آن غفلت نشود: «**قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا**» (بقره، ۲۱۹)

قرآن به ما دستور می‌دهد که حتی اگر یک نفر از مشرکین، در جبهه جنگ، مهلت تحقیق خواست به او فرصت دهید تا کلام خدا را بشنود و او را با حفاظت کامل به محل

امن خود برسانید که اضطرابی نداشته باشد. دینی که منطقی و عقل دارد، عجله ندارد و دلسوزی اسلام به قدری است که در سخت‌ترین شرایط که زمان جنگ است، حتی برای یک نفر (نه جمعیت کثیر) فضای تحقیق و پژوهش و فکر باز می‌کند و به مسلمین دستور می‌دهد که این محقق را سالم به خانه خود برسانید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» (توبه، ۶)

حرف خود را با صراحت و شجاعت گفته‌ایم. زیرا قرآن به ما سفارش کرده که به دشمنان بگویید: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ» (کافرون، ۶)

حتی در دشمنی‌ها از افراط و تفریط دور بودیم. زیرا قرآن فرموده است: «وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا» (شوری، ۴۰)

قدرت خود را روز به روز افزایش داده‌ایم، زیرا قرآن گفته است: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال، ۶۰)

مروت و جوانمردی را سرلوحه‌ی کار خود قرار داده‌ایم، چرا که قرآن فرموده است: «أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ» (هود، ۷۸) امام حسین علیه‌السلام به مخالفین خود در کربلا فرمود: اگر دین ندارید، لاقلاً جوانمرد باشید. «إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ»

وقتی لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام تسخیر شد، مستکبران ترسیدند: «وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ» (احزاب، ۲۶) فکر نمی‌کردند که سفارت‌خانه آن‌ها ناامن شود: «فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا» (حشر، ۲) مکتوبات خود را با دست خود چرخ کردند: «يُخْرَبُونَ بَيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ» (حشر، ۲) خیال می‌کردند سفارت‌خانه محل امن آن‌ها است «وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ» (حشر، ۲)

بعضی از مهره‌های خودباخته طبق سیاست‌های کلیشه‌ای معتقد بودند که حتما باید به قدرتی وصل بشوند. انقلاب آمد و گفت: نه شرقی و نه غربی و فقط خدا: «قُلِ اللَّهُ تَمَّ ذَرْهَمٌ» (انعام، ۹۱)

در انقلاب مردم خود را متحد با هم می‌دانستند که قرآن می‌فرماید: «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (آل عمران، ۱۹۵) جوانان وارد میدان شدند. قرآن می‌فرماید: ابراهیم صدساله همراه اسماعیل سیزده ساله هر دو مسئولیت تطهیر مسجدالحرام را دارند «طَهِّرَا بَيْتِيَ» (بقره، ۱۲۵)

مردم دور امام پروانه‌وار چرخیدند و اطاعت کردند: «هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ» (انفال، ۶۲) هشت سال جنگ آنان را خسته نکرد: «قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت، ۳۰) روحیه «ما می‌توانیم» در مردم تزریق شد و باور کردند که قرآن وعده داده است که: «وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹) تمامیت ارضی تضمین شد و دشمن را به عقب‌رانده و منطقه تصاحب‌شده را پس گرفتند و به آیه‌ی «فَقَاتِلُوا آلَ بَنِي نَدْبِئِ حَتَّى تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ» (حجرات، ۹) عمل شد.

دست‌نشانده‌های آمریکا را از کشور بیرون کردند که قرآن سفارش کرده بود: «لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مِنْ دُونِكُمْ» (آل عمران، ۱۱۸) با لبخندهای دشمن فریب نخوردند: «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيْدَهُنَّ» (قلم، ۹) فهمیدند که دشمن خیر ما را نمی‌خواهد و اگر جوانان ما به کمالی برسند عصبانی می‌شوند ولی به آنان گفتیم: «قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ» (آل عمران، ۱۱۹) دشمن هرگز خیرخواه ما نبوده، بلکه خواهان سختی و دردسر ماست. «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ» (آل عمران، ۱۱۸)

اتکا به توانایی داخلی انجام گرفت، چنان که نماز به ما آموخت که باید در سایه حول و قوه الهی کار کرد، ولی با تکیه بر قیام و قعود خودمان: (بحول الله و قوته اقوم و اقعده) بدخواهان همیشه در فکر خاموش کردن نور خدا بودند: ولی روز به روز جلوه‌ی حق بیش‌تر شد: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» (صف، ۸)

ما نباید از دشمن انتظار خیر داشته باشیم. او بقدری خبیث است که اگر سیل یا زلزله‌ای، ویرانی بزرگی ایجاد کرد، هرگز حاضر نیست خود کمک کند و حتی مانع کمک‌های دیگران نیز می‌شود.

دشمنان، صدام را به غرور واداشتند که چند روزه ایران را خواهی گرفت و به قول قرآن: «لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ» (انفال، ۴۸) ولی تیرشان به سنگ خورد.

دشمن از هیچگونه تضعیف رهبر، مکتب، امت فروگذار نکرده، ولی پیروان حق همیشه در تاریخ پیروز بوده‌اند.

قرآن به ما آموخت که دشمن شما را سفیه می‌خواند: «أَنْ نُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ» (بقره، ۱۳) به شما می‌گوید: پیغمبر یک انسانی است مثل شما! «مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا» (هود، ۲۷) و پیروان پیامبر ارازل و اوباش هستند: «هُمْ أَرَادْنَا بِأَدْيِ الرَّأْيِ» (هود، ۲۷) تا با تحریم اقتصادی دور پیغمبر را خلوت کند: «لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفُضُوا» (منافقون، ۷) گاهی با نمادهای مذهبی، مانند مسجد ضرار، قرآن به نیزه کردن و سوگند دروغین: «اتَّخِذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً» (مجادله، ۱۶) و گریه قلبی: «وَجَاؤْ أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ» (یوسف، ۱۶) ایجاد تفرقه: «وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا» (قصص، ۴) سفرها و کنفرانس‌ها و متینگ‌ها: «لَا يَغْرَنَكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ» (آل عمران، ۱۹۶) انواع نیش زبان‌ها «وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ... أذَى كَثِيرًا» (آل عمران، ۱۸۶) می‌خواهد شما را از میان بردارد.

اما خداوند وعده داده است که: «أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ» (فیل، ۲) آیا نیرنگشان را بی‌اثر نساخت؟ «لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ» (آل عمران، ۱۲۰) حيله‌ی بدخواهانه‌ی آنان هیچگونه آسیبی به شما نرساند.

۱. توجه به تاریخ

هدف قرآن از نقل تاریخ، عبرت آموزی است، نه داستان‌سرایی.

توجه به تاریخ سبب غفلت‌زدایی و سازنده است و بی‌توجهی به آن، سبب توبیخ است. «أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (توبه، ۷۰)

سنت‌های تاریخ ثابت است و برای همه مفید است و توجه به تاریخ هر قوم، برای تبلیغ و تربیتشان لازم است. «فَدَخَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَّمَ» (رعد، ۳۰)

توجه به تاریخ، زمینه‌ی صبر و شکر را در انسان به وجود می‌آورد. یادآوری مصیبت‌ها و تلخی‌های گذشته و برطرف شدن آنها، انسان را به شکر وادار می‌کند. توجه به پایداری امت‌ها و پیروزی آنان، آدمی را به صبر و مقاومت دعوت می‌کند. **«إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ»**، **«أُرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ»**، **«مَسْتَهْمُ الْبِأْسَاءِ وَ الضَّرَاءِ»**

توجه به تاریخ و سرنوشت سعادت آفرین کسانی که در امتحان پیروز شده‌اند و سرنوشت تلخ کسانی که در امتحانات الهی مردود شده‌اند، زمینه پیروزی در امتحانات الهی را فراهم می‌کند.

بهترین درس برای زندگی امروز، عبرت از تاریخ گذشته است. البته عبرت از تاریخ، به فطرتی سالم و روحی پاک نیازمند است. **«لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»** آری، ایمان در بصیرت و روشن‌بینی انسان، تأثیرگذار است.

باید از تاریخ پیشینیان، عبرت بگیریم. **«وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ»**، **«قَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا»**، **«كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ ...»**، **«فَانظُرْ ... عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ»**، **«فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»** آری بیان سختی‌ها و تلخی‌های گذشته، لذت آزادی امروز را چندین برابر می‌کند. **«يَسُومُونَكُمْ ... يَذَبَّحُونَ ... يَسْتَحْيُونَ»**

در تاریخ می‌خوانیم: قوم موسی پس از برخورداری از لطف ویژه‌ی الهی و رسیدن به حکومت، گرفتار ذلت و مسکنت شدند. یعنی **«لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ»** به **«بَأُوْ** **بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ»** تبدیل شد.

باید توجه داشته باشیم که ایران قبل از انقلاب چه تاریخی داشته است. رژیم سلطنتی وابسته به بیگانگان، مستبد و فاسد، از طریق کودتا، صنعتش وارداتی، علمش ترجمه‌ای، کشورش تحت سلطه و تحقیرشده و عقب‌مانده، اخلاقیش آلوده و غرب‌زده، تبلیغاتش ترویج فساد، خدماتش منحصر به شهرهای بزرگ، مناطق دوردست و روستاها محروم از بسیاری از خدمات، برنامه‌هایش سوق به فساد و بی‌بندوباری و دارای انواع عقب‌ماندگی‌ها در صنعت، سیاست، معنویت، فضیلت و نداشتن تجربه انقلابی، در حالی که

همه چیز علیه حرکت انقلابی مسلمین بود، به گونه‌ای که با کشتن و زندان کردن و تهدید و شکنجه همه‌ی صداها را خفه می‌کردند.

۲. توجه به نوآوری‌ها

قرآن بارها خداوند را به نوآوری در زمین و آسمان‌ها و خلق جدید ستایش کرده است. «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» و گاهی با کلمه انشأ به نوآوری اشاره کرده است. «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (انعام، ۹۸) و اوست کسی که شما را از يك نفس آفرید.

در انقلاب اسلامی ایران، انواع نوآوری‌ها و ابتکارات را می‌بینیم.

۱. برآمدن انقلاب از ایمان و معرفت اسلامی

۲. طرح دین و دنیا در کنار هم

۳. شکستن چارچوب‌های کلیشه‌ای تقسیم قدرت در جهان که در گذشته یا باید شرقی بود، یا غربی!

۴. شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی، کرد که در هر یک از این سه کلمه معانی والایی نهفته است.

البته نوآوری ممکن است توسط قوم ستمگر باشد که قرآن می‌فرماید: «لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ» یعنی قوم عاد در ساختمان‌سازی ابتکار داشتند. البته هر ابتکاری ارزش ندارد. (نوآوری گناه، ضد ارزش است). قرآن درباره قوم لوط می‌فرماید: شما در گناه نوآور هستید. «مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ» (اعراف، ۸۰) همانگونه که نوآوری در دین اگر برخاسته از وحی نباشد، بدعت و حرام است. آری نباید به بهانه ابتکار و نوآوری و آزاداندیشی، دست به گفتن یا نوشتن چیزی به نام دین زد که از فرمان خدا و رسول جلو بیفتد.

۳. استقلال

قرآن درباره استقلال می‌فرماید: ما قبله را تغییر دادیم تا یهود بر شما منت نگذارد که شما در قبله تابع ما هستید و استقلال ندارید. «لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةً»

از نگاه قرآن، مسلمانان باید از تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از استقلال کامل برخوردار باشند: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» و از کسانی که دارای استقلال، حتی در فکر و عقیده نیستند، به شدت انتقاد کرده است. منافقان، استقلال فکر و عقیده ندارند به هر جهتی می‌چرخند، به دیگران وابسته و بی‌هدف سرگردانند. «مَذْبِذِينَ بَيْنَ ذَلِكَ»

کسی که به خدا و پیامبر ایمان قلبی داشته باشد، حاضر نیست ولایت غیر الهی را بپذیرد. «لَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ ... مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ» (راه رسیدن به استقلال واقعی و رهائی از سلطه‌ی کفار، ایمان است)

آری آنان که در راه و خط خدایند، نباید از منحرفان کمک بگیرند و باید استقلال سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کنند. «مَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا»

در قرآن می‌خوانیم که رهبر جامعه اسلامی هم باید استقلال رأی داشته باشد و گرفتار فضا سازی‌ها و جوسازی‌ها و فشارهای داخلی و خارجی نگردد. «لَوْ يَطِيعُكُمْ ... لَعَتَبْتُمْ ...»

۴. آزادی

آزادی از سلطه‌ی طاغوت‌ها، از بزرگ‌ترین نعمت‌هاست. چنانکه خداوند در میان همه نعمت‌ها، نام آن را برده است. «تَجْنِبْنَاهُمْ»

جنگ‌های اسلامی یا برای دفاع است و یا برای برداشتن ستمگرانی که مانع انتخاب آزادانه راه حق می‌شوند. قرآن می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» و با آنها بجنگید تا فتنه (بت‌پرستی و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند.

و در جای دیگر می‌خوانیم «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ»

فرعون به مؤمنین گفت: چرا بدون اذن من به موسی ایمان می‌آورید. «قَالَ فِرْعَوْنُ أَمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ أَدْنَى لَكُمْ» آری در استعمار فرهنگی حکومت‌ها، آزادی اندیشه و حق انتخاب عقیده از مردم سلب می‌شود و می‌گفت: «مَا أَرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى» من جز آن چه را که تشخیص می‌دهم راه دیگری به شما ارائه نمی‌دهم. طاغوت‌ها جز برای خود، برای هیچ کس حق اظهار نظر قایل نیستند.

سنت و قانون خداوند، آزاد گذاشتن انسان است. او می‌تواند مردم را به اجبار به راه حق وادار کند، اما رشد واقعی در سایه آزادی است. در قرآن می‌خوانیم که اگر خدا می‌خواست، اختلاف و نزاعی میان مردم ایجاد نمی‌شد.

حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرماید: «**لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا**»، بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است.

اسلام، برای آزادسازی مستضعفان دربند و مظلومان تاریخ سفارش کرده و از بی‌تفاوتی نسبت به مظلومان توبیخ کرده است. «**وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ**» (نساء، ۷۵)

آزادی به قدری مهم است که وقتی در مکه به شخصی ظلم شد، پیغمبر اسلام قبل از نبوت با چند نفر از مشرکین مکه پیمان بستند که علیه هر ظالمی بشورند و احدی در مکه مورد ظلم قرار نگیرد و بتواند آزادانه زندگی کند. این پیمان به نام حلف الفضول بود که نوعی بیمه بود برای فقیران و ورشکستگان. پیامبر (ص) فرمود: «من شاهد پیمانی بودم که بسیار برای من محبوب بود و دوست دارم در اسلام هم باشد»

یکی از اهداف انبیاء، آزادسازی اسیران دربند است، حضرت موسی به فرعون گفت: «**فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَا تُعَذِّبْهُمْ**» البته اگر کسی خواست از آزادی سوء استفاده کند، باید او را از کار خودش بازداشت. مخالفین حضرت شعیب به او می‌گفتند: چرا نمی‌گذاری ما در اموال خودمان آزادانه به هر نحو که می‌خواهیم عمل کنیم؟ آنان می‌خواستند با کم‌فروشی و ضایع کردن حق مردم و اسراف و ولخرجی و عیاشی، ثروت خود را مصرف کنند ولی حضرت شعیب مانع بود. قرآن می‌فرماید: «**أُ صَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ ... أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ**» آری مالکیت، دلیل جواز هر نوع مصرف نیست.

در صدر اسلام، مردی از خودراضی و لجوج به نام «سمره» گاه و بیگاه بی‌اجازه و سرزده وارد باغ محل زندگی یکی از یاران پیامبر می‌شد و مزاحم خانواده او بود. بهانه او هم این بود که من در گوشه باغ درختی دارم و برای سر زدن به آن وارد باغ می‌شوم. صاحب باغ به سمره گفت: رسیدگی به آن درخت مانعی ندارد ولی قبلاً آمدن خود را اطلاع دهید و

سرزده وارد نشوید. سمره گفت: لازم نیست. صاحب باغ به نزد پیامبر آمد و از او شکایت کرد. حضرت، سمره را احضار و موعظه کرد، اما او زیر بار نرفت، پیامبر فرمود: این درخت را با درخت دیگری که در مکان دیگری است عوض کن، حاضر نشد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: درخت خود را به صاحب باغ بفروش، ولی راضی به این کار هم نشد. حضرت فرمود: پس لااقل با اجازه وارد باغ شو. باز قبول نکرد. پیامبر فرمود: از این درخت صرف نظر کن تا من در بهشت درختی را برای تو ضمانت کنم، اما او لجاجت کرد و نپذیرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله دانست که بنای او بر لجاجت است، دستور داد درخت را از ریشه کنده و دور بیندازند. (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۴۰) و فرمود: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» یعنی کسی نمی تواند به بهانه مالکیت شخصی، سبب ایجاد مزاحمت و سلب آزادی دیگران شود. این جمله برای فقهاء سند محکمی برای بسیاری از فتواها و مسایل حقوقی است.

از مهم ترین فلسفه‌ی بعثت انبیا علیهم السلام، طاغوت زدایی، آزادی و رهایی انسان ها از قید بندگی دیگران است. قرآن می فرماید: **«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»** (نحل، ۳۶) آری دعوت به توحید و دوری از طاغوت، در رأس برنامه همه پیامبران بوده است و خداپرستی با پذیرش سلطه‌ی طاغوت‌ها و ستمگران، نمی سازد و با ایمان و عبادت و اتصال به خداوند، انسان قدرت مبارزه با طاغوت‌ها، پیدا می کند. در قرآن مجید، بارها به مسئله‌ی آزادی انسان‌ها در انتخاب راه و عقیده اشاره شده است و فرموده: ای پیامبر تو جبار نیستی تا مردم را به اجبار به راه حق دعوت کنی. **«لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ»**، **«مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ»**، **«مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ»**، **«أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ»**، **«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»**، **«إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ»** و **«قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ»**.

مخفی نماند که بعضی آزادی را معنای بی تفاوتی، ولنگاری و هرج و مرج معنا می کنند. در حالی که آزادی به این معنا گرچه ممکن است، موقتاً به سود افراد عیاش باشد، ولی برای اخلاق اجتماعی و آزادی اجتماعی و رشد معنوی مانع است. همانگونه که کودک دوست دارد، آزادانه هر چه را می خواهد بخورد، غافل از آنکه این آزادی در خوردن، در

پیش چشم والدین کار منفی است و نوعی آسیب به جسم بچه یا محروم کردن دیگران از حق خود می‌شود.

چشم‌چرانی یک نوع آزادی است، ولی مرد چشم‌چران، همسر و زندگی خود را با کسانی که در خیابان دیده است، مقایسه می‌کند و خودش را ناراضی، اخلاقی را تند و زندگی‌اش را تلخ و گاهی متلاشی می‌کند.

۵. جمهوری اسلامی

در این عبارت، هم به آیه «شاورهم فی الامر» عمل شده و هم به دستورات الهی! در جمهوری اسلامی هم عزت نهفته است، تا هر فرد در هر انتخاباتی نظر خود را بدون هیچ‌گونه فشار و تهدیدی، اعمال کند و هم عقلانیت و توجه به افکار عمومی و هم برابری به معنای واقعی که هر نفر فقط یک رأی دارد و رأی هیچ کس بر رأی دیگری مقدم نیست.

در بعضی از کشورهای دنیا رأی مردم هست، ولی قانون خدا نیست. ولی در جمهوری اسلامی، ترکیب جمهوریت و اسلامیت، نخستین قله‌ی درخشش انقلاب است. واردکردن عنصر اراده‌ی ملی به کانون مدیریت کشور، با حضور امت در همه‌ی صحنه‌های مدیریتی از مزایای جمهوری اسلامی است.

۶. تقابل اسلام و استکبار

در دنیای امروز رویارویی‌ها بر اساس نژاد، لهجه، سرمایه، سیاست و امثال آن است. ولی در فرهنگ اسلام، رویارویی میان اسلام و کفر، اسلام و استکبار، اسلام و استثمار و استعمار، عدالت و ظلم، مشورت و استبداد است.

۷. توجه به نعمت‌های خاص

بعضی از نعمت‌های الهی عام است، نظیر، علم و قدرت و وحدت و صنعت و سیاست و امثال آن. ولی بعضی از نعمت‌های الهی خاص است، در انقلاب اسلامی، ما انواع مزایای خاص دیده می‌شود از جمله:

۱. بزرگ‌ترین، موفق‌ترین، فعال‌ترین، ریشه‌دارترین انقلاب عصر جدید، ایرانی و ملی، دینی، پیشرو و درخشان
۲. مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید
۳. تنها انقلاب بدون خیانت به آرمان‌هایش پس از یک چلّه‌ی پرافتخار
۴. صیانت‌کننده از کرامت خود
۵. صیانت‌کننده از اصالت شعارهای خود
۶. پدیده‌ای زنده
۷. قدرتمند (با قدرت)
۸. مهربان
۹. با گذشت
۱۰. با شکوه
۱۱. با اراده
۱۲. با صداقت
۱۳. با صراحت
۱۴. با اقتدار
۱۵. با مروّت و جوانمرد
۱۶. با دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای
۱۷. همراه مظلومان جهان
۱۸. فاصله‌نگرفتن از ارزش‌های آمیخته با ایمان دینی مردم با هیچ بهانه‌ای
۱۹. دچار نشدن به رکود و خموشی پس از نظام‌سازی
۲۰. عدم ارتکاب افراط‌ها
۲۱. عدم ارتکاب چپ‌روی‌ها
۲۲. عدم شلیک اولین گلوله (حتّی به امریکا و صدام)
۲۳. دفاع پس از حمله‌ی دشمن

۲۴. فرود آوردن ضربت متقابل محکم بر دشمن

۲۵. ایستادگی در برابر زورگویان و گردنکشان با صراحت و شجاعت

۲۶. دفاع از مظلومان و مستضعفان با صراحت و شجاعت

۲۷. انعطاف‌پذیر

۲۸. آماده‌ی تصحیح خطاها

۲۹. مواجهه‌ی ایجابی با نقدها

۳۰. ثبات و امنیت و تمامیت ارزی و حفاظت از مرزها

۳۱. شکسته شدن ابهت قدران و مستکبران

۳۲. مشارکت مردمی در مسایل سیاسی

۳۳. گام‌هایی به سوی عدالت

۳۴. بالا رفتن عیار معنویت

۸. پاکسازی و طرد افراد نفوذی

در طول تاریخ عوامل نفوذی با اسم‌های مختلف از جمله به نام دیپلمات، خطرناک‌ترین جاسوس‌ها را به کشورها اعزام می‌کنند. به نام مستشار نظامی، توطئه‌گری می‌کنند و به اسرار نظامی دست می‌یابند. به نام حقوق بشر، از مزدوران خود حمایت می‌کنند. به نام دارو، برای مزدوران خود اسلحه می‌فرستند. به نام کارشناس اقتصادی، کشورهای ناتوان را ضعیف نگه می‌دارند. به نام سم‌پاشی، باغها و مزارع را از بین می‌برند و حتی به نام اسلام‌شناس، اسلام را وارونه جلوه می‌دهند.

ولی انقلاب اسلامی به قرآن عمل کرد که می‌فرماید: «**لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ**» (آل عمران، ۱۱۸) «بِطَانَةً» به لباس زیر گفته می‌شود که به «بطن» و شکم می‌چسبد. این کلمه، کنایه از محرم اسرار است. بر این اساس، نباید بیگانگان را محرم اسرار خویش قرار ندهیم. وجود مستشاران خارجی در کشورهای اسلامی، ممنوع است و رازداری، يك وظیفه‌ی قطعی است. هر مسلمانی هم که مصداق «دُونِكُمْ» باشد، نباید محرم اسرار قرار گیرد، زیرا در میان مسلمانان نیز افراد فتنه‌جو و جاسوس، کم نیستند. ملاک دوستی و

روابط صمیمانه‌ی مسلمانان با سایر جوامع باید ایمان باشد. «**لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ**»

از وظایف هر مسلمان آن است که دست‌نشانده‌ها و عناصر خائن را شناسایی و در مقام طرد و حذف آنان گام بردارد. در قرآن می‌خوانیم که در میان مسلمین افراد نفوذی بودند: «**وَ فِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ**» (توبه، ۴۷)

در میان مسلمانان افرادی هستند که امور را گاهی با بزرگ‌نمایی و گاهی با کوچک‌نمایی واژگونه نشان می‌دهند: «**وَ قَلْبُوا لَكَ الْأُمُور**» (توبه، ۴۸) تحریف واقعیت‌ها و گزارش‌های جعلی برای رهبر، کار منافقان است و رهبر امت اسلامی باید هوشیار باشد و به هر گزارشی اعتماد نکند.

قرآن این افراد را دشمن واقعی دانسته و می‌فرماید: «**هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ**» آنان دشمنان تو هستند، از آنها برحذر باش.

«هم العدو» یعنی دشمن واقعی این افراد هستند، زیرا اولاً درون جامعه هستند و از اسرار مسلمانان آگاهند، ثانیاً چون در لباس دوست هستند، شناخت آنان مشکل است، ثالثاً چون ناشناخته‌اند، مبارزه با آنان سخت‌تر است، رابعاً چون پیوندهای نسبی و سببی با مسلمانان دارند، برخورد با آنان پیچیده‌تر است و خامساً ضربه آنان غافلگیرانه‌تر است.

۹. عزت

مسلمانان باید باور کنند که تمام عزت برای خدا و رسول و مؤمنان است. «**وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ**» (منافقون، ۸)

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند امور مسلمانان را به خودشان واگذارده، ولی اجازه ذلیل کردن خود را به آنان نداده است: «**وَ لَمْ يَفُوضِ إِلَيْهِمْ أَنْ يَكُونُوا ذُلِيلًا**» (کافی، ج ۵، ص ۶۳)

در حدیث می‌خوانیم که پرسیدند: چگونه مؤمن خود را ذلیل می‌کند؟ امام صادق علیه‌السلام فرمود: «**يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يَطِيقُ وَ يَدْخُلُ فِيهَا يَعْتَذِرُ مِنْهُ**» در کاری که توان انجامش را ندارد و از انجامش معذور است وارد می‌شود.

ناگفته پیداست که معنای عزت داشتن ثروت و قدرت نیست، بلکه معنای عزت، صلابت و نفوذناپذیری است. به زمین سخت می‌گویند «ارض عزیز»، یعنی بیل و کلنگ در آن فرو نمی‌رود. مؤمن عزیز است، یعنی حاضر نیست با هیچ‌گونه تهدید و تطمیع از منطق و راه خود دست بردارد، یا نسبت به دشمن کوتاه بیاید یا سازش و عقب‌نشینی کند. ممکن است، فردی مثل اباذر بدون داشتن امکانات و قدرت بر سر فردی مثل معاویه فریاد بکشد. این‌گونه افراد عزیزند و در مقابل افرادی هستند که امکانات زیادی دارند ولی باز هم به خاطر ترس یا طمع از موضع خود عقب‌نشینی کنند. این‌گونه افراد ذلیل هستند گرچه همه چیز داشته باشند.

قبل از انقلاب اسلامی آمریکا و دست‌نشانده‌های او برای مردم تصمیم می‌گرفتند. حتی امروز سران بعضی کشورها با حمایت‌های آمریکا جابجا می‌شوند. ولی با لطف الهی پس از انقلاب و جانفشانی‌ها، حتی یک فرد از مسئولین یک شهر و روستا را نمی‌توانند تعیین کنند و این انقلاب اسلامی بود که با تشکیل حکومت مردمی و مردم‌سالاری و اراده ملی و ترویج فرهنگ «ما می‌توانیم» و اتکاء به توانایی داخلی و امثال آن برای ایران عزت‌آفرینی کرد.

۱۰. توجه به نقش جوانان

جوانان دارای همت بلند و امیدوار، هوشیاری، سرعت عمل، ابتکار، عمل جهادی، روحیه انقلابی، برادری و ایثار، همراه با ذکر و دعا و پاسداری از عظمت و هیبت الهی و شجاع در برابر متکبر و مستکبر، حماسه‌آفرین، عدالت‌دوست، استوار، مسئولیت‌پذیر، فعال، پیشگام، تسخیرکننده قله‌های علمی، ناکام‌ساز دشمن و آماده برداشتن گام‌های بلند، فعال در میدان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، بین‌المللی، در عرصه‌ی دین و اخلاق و معنویت، با درس‌گرفتن از تجربه‌ها، و با نگاه انقلابی و جهادی مانع ویژه‌خواران، دشمن فریب‌کاران و حامی مستضعفان هستند و می‌توانند برای مقابله با سبک زندگی غربی گام‌های بلندی بردارند.

قرآن به نوجوانان سفارش می‌کند که باید در مصالح و مفاسد جامعه خود را دخالت دهند: **«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (لقمان / ۱۷)** یعنی نوجوان می‌تواند نسبت به معروف‌ها امر کند و نسبت به منکرات نهی کند. این عمل نشانه آن است که نوجوان باید، هم بفهمد، هم تشخیص دهد، هم فریاد کشد، هم شجاع باشد، هم متعهد باشد وگرنه بدون این‌ها نمی‌تواند امر و نهی کند.

در بعضی آیات می‌خوانیم که حضرت ابراهیم علیه‌السلام به پدر یا عموی خود می‌گفت: **«إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَ لَا يُبْصِرُ وَ لَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا» (مریم، ۴۲)** ای پدر! چرا چیزی را می‌پرستی که نمی‌شنود و نمی‌بیند و تو را از هیچ چیز بی‌نیاز نمی‌کند؟ آری نهی از منکر مرز سنی ندارد. پسر می‌تواند بزرگ خانواده را نهی کند، اما باید احترام آنان را حفظ کند. زیرا همیشه کمال افراد به سن آنها بستگی ندارد؛ گاهی فرزند خانه از بزرگ‌ترها بهتر می‌فهمد.

قرآن به سوره یوسف نام احسن القصص داده است. شاید به خاطر آن باشد که محور این سوره یک نوجوان به نام یوسف است. در سیره پیامبر می‌خوانیم که مسئولیت تبلیغ اسلام در مدینه را به جوانی به نام مصعب واگذار کرد و فرمانده نظامی لشکر، شخصی به نام زید ۱۸ ساله بود. در قرآن می‌خوانیم که مسئولیت تطهیر مسجد الحرام به عهده سالمندی به نام ابراهیم و نوجوانی به نام اسماعیل واگذار شد. **«طهرا بیتی»**

قرآن در بیان کمالات، سالمند و نوجوان را در کنار هم تجلیل می‌کند و می‌فرماید: ابراهیم و اسماعیل هر دو با هم تسلیم فرمان خدا شدند. **«فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ» (صافات، ۱۰۳)**

امام حسین علیه‌السلام در کربلا، هم جوانان و هم نوجوانان را با خود برد. در انقلاب ایران حضور جوانان در راهپیمایی‌ها، جبهه‌ها، بازسازی‌ها، تشکیل مراکز امدادی و خدماتی از یک سو، و پیشرفت و توسعه دانشگاه‌ها و فناوری‌ها از سوی دیگر و توجه به معنویاتی از قبیل اقامه نماز در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و رشد مسأله اعتکاف و حفظ قرآن بر هیچ منصفی پوشیده نیست.

رونق معنوی را باید در زائران مکه و کربلا و مشهد و جمکران و شرکت در مسابقات دینی و حضور در اردوهای جهادی و پیاده‌روی‌های اربعین و دل‌کندن از پدران و مادران و همسران با حضور در جبهه‌ها و شکرگزاری خانواده شهدا از اینکه عزیز خود را در راه خدا داده‌اند، پیدا کرد.

نوجوانان دیروز که امروز جوانان دانشمند و مخترعان برجسته شده‌اند و انواع وسایل زیرساختی و صنعت‌های پیشرفته دفاعی و رشد مسایل بهداشتی و پزشکی در همه صحنه‌ها پدید آمده است، همه در سایه برکات انقلاب بوده است.

البته جمعی هم فاسد و مفسد و خائن پیدا می‌شوند، ولی آمار افراد خدمتگزار امین به مراتب بیش‌تر از این افراد است.

این رشد معنوی، مرحله نخستین خودسازی و گامی به سوی مرحله جامعه‌سازی و تمدن‌سازی است.

۱۱. پایداری و استقامت

مدعیان زیادند ولی همه صالح و صادق و وفادار نیستند.

چه افرادی با خدا عهد می‌بندند که اگر وضع مالی و اقتصادی ما خوب شود، به دیگران کمک می‌کنیم، ولی پس از رسیدن به مقصد، عهد خود را فراموش می‌کنند. «وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ» (توبه، ۷۵) و برخی از آنان با خدا پیمان بسته بودند که اگر خداوند از فضل خویش به ما عطا کند، حتماً صدقه (زکات) خواهیم داد و از نیکوکاران خواهیم بود. «فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ» (توبه، ۷۶) پس چون خداوند از فضل خویش به آنان بخشید، بدان بخل ورزیدند و (به پیمان) پشت کرده و روی‌گردان شدند.

ولی در برابر این گروه افرادی هستند که تا پای جان از فکر و منطق و شعار خود دفاع می‌کنند. یکی از برکات جمهوری اسلامی آن است که به شدت پای‌بند به اصول خود و مرزبندی خود در مقابل رقیبان و بی‌مبالاتی نکردن با خطوط اصلی خود و در عین حال منطقی بودن و متحجر نبودن و توجه به پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو است.

اسلام عنصر فقاقت را یک اصل می‌داند و به همه سفارش کرده است که در حوادث واقعه که بیش‌تر آن مسایل جدید و نو است، به فقه‌های عالم به زمانه مراجعه کنید تا مسأله و تکلیف جامعه بر اساس اصولی که در اختیار فقیه است روشن شود.

۱۲. دستاوردهای جمهوری اسلامی

* **کشوری مستقل و آزاد** (که درباره استقلال و آزادی مطالبی را آوردیم)

* **کشوری مقتدر** که قرآن می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال، ۶۰) و برای (آمدگی مقابله با) دشمنان، هرچه می‌توانید از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و نیز (دشمنانی) غیر از اینان را که شما آنان را نمی‌شناسید، ولی خداوند آنها را می‌شناسد، به وسیله آن بترسانید، و در راه خدا (و تقویت بنیه‌ی دفاعی اسلام) هرچه انفاق کنید، پاداش کامل آن به شما می‌رسد و به شما ستم نخواهد شد. «جالب آن است که بعد از این فرمان آماده باش همه‌جانبه، در آیه بعد می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْتَحِ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال، ۶۱) و اگر (دشمنان) به صلح تمایل داشتند، (تو نیز) تمایل نشان بده و بر خداوند توکل کن، همانا او شنوا و داناست.

حضرت علی علیه‌السلام به مالک اشتر می‌نویسد: «لَا تَدْفَعَنَّ صَلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوَّكَ وَ لِلَّهِ فِيهِ رِضَا فَإِنَّ فِي الصَّلْحِ دَعَاً لَجُنُودِكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَمْنًا لِبِلَادِكَ وَ لَكِنَّ الْحَذَرَ كُلَّ الْحَذَرَ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلْحِهِ، فَإِنَّ الْعَدُوَّ رَبَّمَا قَارِبَ لِيَتَغَفَّلَ» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) صلح پیشنهادی دشمن را رد مکن، ولی پس از صلح هوشیار باش و از نیرنگ دشمن برحذر باش، چون گاهی نزدیکی دشمن، برای غافلگیر کردن است!

۱- آری مسلمانان باید در اوج قدرت باشند تا تقاضای صلح، از سوی دشمن باشد. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ»

۲- اسلام، جنگ طلب نیست. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْتَحِ لَهَا»

۳- فرمان جنگ و پذیرش صلح، با پیامبر خدا و از اختیارات رهبری جامعه اسلامی است. **«فَاجْتَحُوا»** نفرمود: **«فَاجْتَحُوا»**

۴- در پذیرش صلح، هم احتمال خطر و توطئه است، هم زخم زبان برخی دوستان، ولی باید بر خدا توکل کرد. **«تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»**

این آیه را باید در کنار آیهی ۵۸ انفال در نظر گرفت که اگر رهبر مسلمانان با شواهد و قرائتی، یقین به خدعهی دشمن در سایهی صلح داشت، حساب دیگری دارد، ولی در صورت احتمال حسن نیت، باید با هوشیاری آن را بپذیرد.

آری اگر ما به وظیفهی خود عمل کنیم، نباید از مشکلات بترسیم، چون خداوند، گشایندهی مشکلات است. **«أَيُّدِكَ بِنَصْرِهِ»** و حمایت‌های مردمی، به ارادهی خداوند در جهت یاری شماست. **«أَيُّدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»**

البته اقتدار مسلمانان تنها به خاطر تجهیزات و نفرت و مهمات نیست، بلکه اقتداری برخاسته از ایمان به خدا، و اطمینان به نصرت‌های او **«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»** و همراهی نیروهای خودی است: **«حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»** (انفال، ۶۴) برای تو (حمایت) خداوند و پیروان با ایمانت کافی است (و نیازی به حمایت گرفتن از دیگران نداری).

مؤمنان انقلابی امیدوار به وعده‌های الهی هستند که می‌فرماید: ۲۰ نفر مقاوم بر ۲۰۰ نفر از دشمنان پیروز هستند. **«عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ»** و حتی در برخی مواقع که ضعفی احساس شود، باز هم به خود اطمینان دارند: **«إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ»** (انفال، ۶۶) اگر صد نفر از شما پایدار باشد، بر دویست نفر (از کفار) پیروز می‌شود، و اگر از شما هزار نفر باشند، بر دو هزار نفر (از آنان) پیروز می‌شوند.

این اشاره به اقتدار نظامی! و اما اقتدار علمی و عملی! همانگونه که تاریخ نشان می‌دهد، مسلمین بنیانگذار بسیاری از علوم بوده و امروز نیز در کشور ما هر روز گام‌هایی به جلو برداشته می‌شود و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور و رکوددار در شتاب

پیشرفت‌های علمی در جهان و در منطقه و مانع سلطه دوباره قلدران جهانی و برنده‌ی رتبه‌های نخست در رشته‌های حسّاس و نوپدید، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، در انگیزه‌های جهادی، در جمعیت جوان کارآمد است. همراه با معنویت و اخلاق و برداشتن گام‌هایی در راه عدالت!

گرچه هنوز به عدالت کامل و جامع نرسیده‌ایم، ولی گام‌های بلندی به سمت عدالت برداشته‌ایم. بردن دانشگاه‌ها در شهرها، و آوردن جوانان مستعد از شهرها به مراکز علمی، بردن علم‌آموزی در روستاها، رشد شرکت دختران در کلاس‌ها، جابجایی خدمات از مرکز به همه جای کشور و رسیدن به بعضی از مسایل حساس نظیر، هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، نانو، هوافضا و امثال آن!

۱۳. مدیریت جهادی

مدیریت جهادی آن است که با توجه به قدرت خودی، و شعار «ما می‌توانیم» و بی‌اعتنایی به انواع وابستگی‌ها، همراه با جوشش انقلابی و نظم سیاسی و دوری از رکود و خموشی و فداکاری و نشاط و دوری از زورگویی و تحمیل عقیده، همراه با حق تصمیم‌گیری و مشورت با افراد باشد.

۱۴. عزت، حکمت، مصلحت

در همه برنامه‌ها و قراردادهای و برقراری روابط یا قطع روابط باید به این اصل توجه شود و نبود هر یک، نقص مهمی است.

۱۵. دانسته‌ها و سرمایه‌ها

در سوره ابراهیم از آیه ۳۲ به بعد نعمت‌هایی را می‌شمارد و می‌فرماید: آب باران، انواع میوه‌ها، رام‌شدن کشتی‌ها در دریا، وجود نهرها، مسخ‌بودن خورشید و ماه و شب و روز، همه و همه نعمت‌های الهی در دست شماست که اگر بخواهید آن‌ها را بشمارید نمی‌توانید. در پایان آیه می‌فرماید: اگر به این داده‌ها و سرمایه‌ها توجه و در جای خود به کار گرفته نشود، انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم، ۳۴)

در سایه انقلاب اسلامی، نعمت‌های بسیاری از سوی خدا بر این مردم نازل شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. رستاخیز علمی در کشور با پیشینه‌ی دو دهه‌ای و با سرعت غافلگیرکننده برای ناظران جهانی
۲. وجود هزاران شرکت دانش‌بنیان
۳. وجود میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل
۴. وجود هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور
۵. شصت برابرشدن صادرات غیرنفتی
۶. نزدیک به ده برابرشدن واحدهای صنعتی
۷. ده‌ها برابرشدن صنایع از نظر کیفی
۸. تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی
۹. برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی
۱۰. درخشش در رشته‌های مهم و حسّاس پزشکی
۱۱. به‌ثمررسیدن ده‌ها طرح بزرگ راهبردی در کشور با رتبه‌های نخستین در جهان، از قبیل: چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فنّاوری نانو، زیست‌فنّاوری، و ...
۱۲. وجود هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران، حمل و نقل، صنعت، نیرو، معدن، سلامت، کشاورزی، آب، و ...

۱۶. رکود و توقف ممنوع!

با وجود آن همه داشته‌ها و این همه پیشرفت‌ها نباید توقف کنیم.

۱. نباید فکر راكد شود. بلکه باید با تحصیل و تجربه و مشورت فکر را رشد دهیم.
۲. نباید سرمایه راكد باشد و به صورت گنج و کنز درآید.
۳. نباید علم راكد باشد، بلکه باید به دیگران منتقل شود.
۴. حتی بعد از رسیدن به کمالات نباید قانع باشیم، نه در تحصیل خود را فارغ بدانیم که خداوند به پیامبرش می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه، ۱۱۴)

نباید به قیام به عدالت قانع باشیم، بلکه باید «قوامین بالقسط» باشیم.

نباید به مقاومت و صبر قانع باشیم، بلکه باید صَبْرًا باشیم.

نباید به کمک‌های خود به محرومین قانع باشیم، بلکه باید دیگران را نیز تشویق کنیم.

«وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (ماعون، ۳)

قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا» (نساء، ۱۳۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایمان خود را عمیق‌تر کنید.

در دعا می‌خوانیم رابطه‌ی ما با ولی خدا حضرت مهدی علیه‌السلام باید روز به روز قوی‌تر شود. در دعای عهد می‌خوانیم: «عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً» یعنی از مرحله تعهد به مرحله‌ی گره‌خوردن و پس از گره‌خوردن، بیعت‌کردن و وفاداری تا آنجا که بخواهیم در راستای پیوند جان خود را فدا کنیم.

قرآن می‌فرماید: «يَنْفِقُونَ»، «يَجَاهِدُونَ»، یعنی کمال باید استمرار داشته باشد.

باید به قله‌ها دست یابیم و از مرزهای علمی معمولی عبور کنیم و با شتاب پیش برویم. و این شتاب ادامه یابد و این پیشرفت فقط در یکی دو شاخه نباشد. بلکه باید این پیشرفت در صنعت، نیرو، معدن، سلامت و کشاورزی و همه چیز باشد.

۱۷. توجه به ظرفیت‌ها

ظرفیت‌های خود را کشف کنیم و بدانیم در انسان گزینه بی‌نهایت‌طلبی وجود دارد. و این گزینه گامی برای اتصال به خداست. چون بی‌نهایت‌طلب را وجود بی‌نهایت سیر می‌کند.

انسان اگر به خدا وصل شد، به هدف رسیده و آرامش پیدا می‌کند. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ

الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸) غیر از خدا، هیچ پست و مقامی انسان را ارضاء نمی‌کند. ما از

بی‌نهایت سرچشمه گرفته‌ایم و باید به آن برسیم. «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره،

۱۵۶) از آیه «وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره، ۳۱) و از سجده‌ی ملائکه بر انسان، و از

آیاتی که می‌فرماید: تمام هستی برای انسان آفریده شده است، (نظیر آیات «خَلَقَ لَكُمْ»

(بقره، ۲۹)، «سَخَّرَ لَكُمْ» (جاثیه، ۱۳) و «مَتَاعٌ لَكُمْ» (نور، ۲۹)) پی به ظرفیت خود

می‌بریم.

این ظرفیت به جز با دست رهبری معصوم هدایت نمی‌شود. آری گذاشتن دست انسان با این همه ظرفیت و استعداد در دست غیرمعصوم، ظلم به انسانیت است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: قیمت انسان بهشت است. به ارزان‌تر از آن خود را نفروشید. «إِنَّ أْبْدَانَكُمْ لَيْسَ لَهَا ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا بِغَيْرِهَا» (کافی، ج ۱، ص ۱۹)

الف) ظرفیت‌های انسانی

۱. وجود نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی
۲. جمعیت جوان زیر چهل سال
۳. وجود چهارده میلیون نفر دارای تحصیلات عالی
۴. رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم مهندسی
۵. وجود انبوه جوانانی با روحیه‌ی انقلابی و آماده‌ی تلاش جهادی
۶. بالاتر بودن استعداد علم و تحقیق ملت ایران از متوسط جهانی
۷. وجود جمع چشم‌گیر جوانان محقق و اندیشمند شاغل در آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره

ب) ظرفیت‌های مادی

۱. دارا بودن هفت درصد ذخایر معدنی جهان با وجود یک درصد جمعیت جهان
۲. منابع عظیم زیرزمینی
۳. موقعیت استثنایی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب
۴. بازار بزرگ ملی
۵. بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه و ۶۰۰ میلیون جمعیت
۶. سواحل دریایی طولانی
۷. حاصل خیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی
۸. اقتصاد بزرگ و متنوع

ج) ظرفیت‌های انقلاب اسلامی

۱. مدیریت جهادی؛ الهام گرفته از: ایمان اسلامی و اصل "ما می‌توانیم"

۲. نرم افزار تبدیل ظرفیت ها به مؤلفه های قدرت

۳. وجود انسان های غالباً جوان با رتبه های رفیع انسانیت، با ویژگی هایی از قبیل: شجاع، فداکار، والا

۴. وجود جوانان زنده کننده ی ماجراهای صدر اسلام، با ویژگی هایی از قبیل: دل های مستعد، دل های نورانی، ذکر و دعا، روحیه ی برادری، روحیه ی ایثار، مجاهدت در میدان های سخت

۱۸. نگاهی به تفاوت ها

تفاوت کاملاً معنادار چالش های پیش روی انقلاب در سال ۱۳۵۷ با سال ۱۳۹۷

۱. چالش ایران با آمریکا

• سال ۱۳۵۷: کوتاه کردن دست عمال بیگانه، تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی، رسوا کردن لانه ی جاسوسی آمریکا

• سال ۱۳۹۷: حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی، برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از غرب آسیا، حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین های اشغالی، دفاع از پرچم حزب الله و مقاومت در سراسر منطقه

۲. چالش غرب با ایران

• سال ۱۳۵۷: جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی توسط ایران

• سال ۱۳۹۷: جلوگیری از انتقال سلاح های پیشرفته ی ایرانی به نیروهای مقاومت

۳. تصور آمریکا از ایران

• سال ۱۳۵۷: تفوق بر نظام اسلامی و ملت ایران با چند ایرانی خودفروخته یا چند هواپیما و بالگرد

• سال ۱۳۹۷: نیاز به ایجاد یک ائتلاف بزرگ از ده ها دولت معاند یا مرعوب برای مقابله ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی

این تفاوت ها انسان را به یاد تفاوت های حق و باطل در قرآن می اندازد.

روزی مسلمانان در مکه امنیت نداشتند و امروز تقریباً در همه دنیا اسلام مطرح است.

روزی امام حسین علیه‌السلام یک زائر بیش‌تر نداشت، جابرین عبدالله انصاری و امروز میلیون‌ها زائر دارد.

روزی از شنیدن قرآن منع می‌کردند، «**لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ**» (فصلت، ۲۶) ولی قرآن بارها وعده داده است که اسلام بر همه ادیان و مذاهب غلبه پیدا خواهد کرد، گرچه کفار و مشرکین آن را خوش نداشته باشند.

این نوع وعده‌ها در قرآن مکرر آمده است تا مردم باورکنند که می‌شود یوسفی از ته چاه به حکومتی برسد، کودکی یتیم، پیامبر شود و همه طاغوت‌های ستمگر را تهدید کند. کشوری بدون وابستگی به شرق و غرب با شعار نه شرقی و نه غربی پیروز شود و از گردنه‌های سخت عبور کند. در قرآن می‌خوانیم: «**كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ**» (نور، ۵۵) یعنی وعده‌ی پیروزی حق بر باطل سابقه دارد و با اراده خدا، کودکی مثل موسی را در آب حفظ می‌کند و فرعون را در همان آب غرق می‌کند.

۱۹. توجه به شباهت‌ها و نمونه‌های تاریخی

در مواردی برای بعضی، مسایل مهم یا سخت یا محال جلوه می‌کند. قرآن این موارد را با بیان نمونه‌های تاریخی حل می‌کند، تا دل‌ها آرام گیرد و محال‌ها را ممکن سازد. اگر بدانیم مسایلی که برای ما پیش می‌آید، در طول تاریخ مشابیهات فراوان داشته و دارد، آن مسایل برای ما آسان می‌شود. مثلاً:

دستور روزه گرفتن در امت‌های پیشین نیز بوده است. «**كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ**» (بقره، ۱۸۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما مقرر گردید، همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شده بود.

اگر بدانیم رنج‌های جبهه برای دشمنان نیز هست، سختی‌ها آسان می‌شود. «**فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ**» و در آیه دیگر می‌فرماید: «**إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ**» (آل عمران، ۱۴۰) اگر (در جنگ احد) به شما جراحتی می‌رسد، پس قطعاً به گروه کفار نیز (در جنگ بدر) زخمی همانند آن رسیده است.

«وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (حجر، ۱۱) و هیچ پیامبری برایشان نمی‌آمد، مگر آنکه به استهزای او می‌پرداختند.

در مشکلات می‌توان از افراد صابر الگو گرفت. خداوند به پیغمبرش می‌فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (احقاف، ۳۵) پس (ای پیامبر!) صبر کن همان گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند.

نیش زبان‌هایی که به شما گفته می‌شود، به مؤمنان پیش از شما نیز گفته می‌شد. «مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ» (فصلت، ۴۳) (ای پیامبر!) به تو گفته نمی‌شود جز آن چه به پیامبران قبل از تو نیز گفته شده است.

«فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ» (مطففین، ۳۴) پس امروز، اهل ایمان بر این کفار می‌خندند.

برخورد قاطع با شایعه پراکنانی که در مردم ایجاد اضطراب و دلهره می‌کنند، در ادیان دیگر نیز بوده است. «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ» (احزاب، ۳۸)

ای پیغمبر! اگر گروهی از دین سرپیچی کردند، ناراحت نباش، که افراد مشابهی به جای آنان ایمان می‌آورند. «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (مائده، ۵۴)

اگر گروهی بخیل‌اند در مقابل افرادی سخاوتمند وجود دارند. «وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» (محمد، ۳۸)

تشکر از این همه نعمت، به آن است که ما در راه تکامل این نعمت‌ها از مرحله خودسازی به مرحله جامعه‌پردازی، و از آن به مرحله‌ی تمدن‌سازی، برای انقلابی جهانی به رهبری حضرت مهدی (علیه‌السلام) آماده باشیم و به جای افکار غلطی که می‌گویند باید حضرت مهدی بیاید تا جامعه را بسازد، می‌گوییم ما جامعه را بسازیم تا حضرت تشریف بیاورد. همانگونه که ما در شب تاریک چراغی روشن می‌کنیم و منتظر هستیم خورشید صبح طلوع کند و در سرما محل خود را گرم می‌کنیم و منتظر هستیم بهار فرا رسد.

به گفته‌ی روایات، انتظار ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام یک عمل است، یعنی تمدن‌سازی برای ظهور آن حضرت!

به گفته‌ی روایات، تمام علوم بشری، تا ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام ۲ بخش از ۲۷ قسمت است. و با ظهور و حضور ایشان، ۲۵ بخش از ۲۷ قسمت آن کشف خواهد شد.

۲۰. توجه به بایدهای پیش رو!

باید بدانیم دشمنان ما برای ما مشکلات جان‌فرسا ایجاد کرده و خواهند کرد که باید از آن عبور کرد.

همانگونه که برای انبیاء از طرف دشمنان این مشکلات پیش می‌آمد. قرآن می‌فرماید: **«وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَيْبُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران، ۱۴۶)** و چه بسیار پیامبرانی که همراه آنان خداپرستان بسیاری جنگیدند، پس برای آنچه در راه خدا به آنان رسید، نه سستی کردند و نه ناتوان شدند و تن به ذلت ندادند و خداوند صابران را دوست دارد.

آری تاریخ انبیا همواره همراه با مبارزه بوده است. باید از آنان درس بگیریم و نباید مشکلات، عامل سستی وضع شود، بلکه باید عامل حرکت و تلاش جدیدی گردد. مشکلات و ناملایمات، مردان خدا را وادار به تسلیم نمی‌کند.

آری رزمندگان بصیر، نه از درون روحیه خود را می‌بازند؛ **«فَمَا وَهَنُوا»** و نه توان رزمی خود را از دست می‌دهند؛ **«وَمَا ضَعُفُوا»** و نه در اثر ناملایمات تسلیم می‌شوند. **«وَمَا اسْتَكَانُوا»**

باید خود را آماده عبور از گردنه‌ها کنیم. در حدیث می‌خوانیم کسانی که ما اهل بیت را دوست دارند، خود را برای زندگی ساده و زاهدانه آماده کنند. **«مَنْ أَحْبَبَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَسْتَعِدَّ لِلْفَقْرِ جِلْبَابًا»** مرفهان بی‌درد نمی‌توانند بازویی برای انقلاب حضرت مهدی باشند و برای آن تمدن بزرگ نقش‌آفرین باشند.

باید نگاه‌ها، روحیه‌ها، عمل‌ها، همت‌ها، هوشیاری‌ها، ابتکارها، عبرت‌گیری‌ها، صداقت‌ها و صراحت‌ها و اقتدارها، انقلابی، جهادی، جهانی، در راستای نجات خود، استقلال خود و

نجات مظلومین جهان باشد. با این صفات می‌توان طرح تمدن اسلامی را پایه‌ریزی کرد. ممکن است در اولین نگاه، به وجود آوردن چنین جامعه‌ای سخت باشد، ولی قرآن می‌فرماید: با ایمان همه کار می‌توان کرد و می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹) و اگر مؤمن هستید، سستی نکنید و غمگین مباشید که شما برترید.

در جنگ احد، به خاطر عدم اطاعت از فرماندهی، بر قوای اسلام شکست وارد شد، مسلمانان روحیه خود را از دست دادند، این آیه نازل شد که مبادا با شکست خود را ببازید، بلکه با تقویت ایمان خود را تقویت کنید که در این صورت برتری با شماست. آری در سایه‌ی ایمان، می‌توان بر همه جهان غالب شد. «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» گرچه در جهان بینی مادی، عامل پیروزی سلاح و تجهیزات است، ولی در بینش الهی، عامل پیروزی ایمان است. «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

آیه بعد می‌فرماید: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نَادَوْهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران، ۱۴۰)

اگر (در جنگ احد) به شما جراحتی می‌رسد، پس قطعاً به گروه کفار نیز (در جنگ بدر) زخمی همانند آن رسیده است. و ما روزها (ی شکست و پیروزی) را در میان مردم تقسیم می‌کنیم تا خداوند (با امتحان) کسانی را که ایمان آورده‌اند، معلوم کند و از شما گواهانی (بر دیگران) بگیرد و خداوند ستمگران را دوست نمی‌دارد. (گرچه گاهی به ظاهر پیروز شوند)

این آیه ضمن دلداری به مسلمانان، واقعیتی را بیان می‌کند، که اگر شما به منظور حق و برای هدفی الهی متحمل ضرر جانی شده‌اید، دشمنان شما نیز کشته و مجروح داده‌اند. اگر شما امروز در احد پیروز نشده‌اید، دشمنان شما نیز دیروز در بدر شکست خورده‌اند، پس در سختی‌ها بردبار باشید.

امام صادق علیه السلام درباره‌ی این آیه فرمودند: «از روزی که خداوند آدم را آفرید، قدرت و حکومت خدایی و شیطانی در تعارض با یکدیگر بوده‌اند، اما دولت کامل الهی با ظهور حضرت قائم علیه السلام تحقق می‌یابد» (تفسیر عیاشی)

آیه بعد می‌فرماید: «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» (آل عمران، ۱۴۱) و (فراز و نشیب‌های جنگ برای آن است) تا خداوند افراد مؤمن را پاک و خالص، و کافران را (به تدریج) محو و نابود گرداند.

گویا خدا می‌خواست نقاط ضعف مسلمانان را با شکست در جنگ احد به آنان نشان دهد تا به فکر اصلاح و جبران نقایص بیافتند و برای حرکت‌های بعدی آمادگی لازم را داشته باشند.

آری گاهی شکست‌های سازنده و بیدارگر، از پیروزی‌های غافلانه و بدون عمق مطلوب‌تر است.

۲۱. عدالت نسبی (نه عدالت مورد انتظار)

ممکن است هر کمالی در جایی مطلوب و در مورد دیگری نقص باشد. مثلاً بخشش ممکن است در موردی خوب و در مورد دیگری خوب نباشد. ولی عدالت کمالی است که نسبت به هر چیز و در همه جا کمال است، حتی نسبت به دشمن! به ما اجازه نمی‌دهند که از مرز عدالت خارج شویم. قرآن می‌فرماید: بعثت انبیاء برای آن است که مردم بر اساس عدالت به پا خیزند. «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۱۵) عدالت در همه‌ی زمان‌ها و زمین‌ها فریضه‌ای است که بر عهده همه‌ی مردم و به خصوص حاکمان است. ناگفته پیداست، برای تحقق عدالت باید با هر نوع فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، و زمینه‌های رشد بی‌عدالتی و تبعیض‌ها در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی مبارزه کرد.

البته این عدالت نیاز به تشکیلاتی دارد، که نیاز به افرادی کارآمد، تیزبین، قاطع، باایمان، جهادگر، دست‌ودل‌پاک، منیع‌الطبع، مصون از وسوسه‌های گوناگون دارد. وگرنه

بی‌عدالتی‌های درونی، به بی‌عدالتی‌های بیرونی تبدیل شده و اصل مقبولیت و مشروعیت نظام را متزلزل می‌کند.

ناگفته پیداست که اجرای عدالت نیاز به برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و جامع دارد. هم باید از تشکیل نطفه‌ی فساد در هر دستگاه پیشگیری شود و هم باید اگر نطفه منعقد شد، و راه فساد و تبعیض برای ویژه‌خواران و فریبکاران اقتصادی باز شد، عاقلانه و مسئولانه و جهادی، با تدبیر مبارزه کرد و از تبلیغات و ارباب‌ها و جنگ روانی نهراسید. آری قوی‌ترین اهرم در برابر تهدیدات دشمن، ایمان و توکل به خداست. مؤمن وقتی در گرداب بلا قرار می‌گیرد، توکل و اتصال خود را با خدا بیشتر می‌کند.

قرآن در ستایش گروهی می‌فرماید: همین که به آنان گفته می‌شد، بی شک مردم (کافر مکّه) بر ضد شما گرد آمده (و بسیج شده) اند، پس از آنان بترسید، (آنها به جای ترس) بر ایمانشان بیافزود. «إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا» (آل عمران، ۱۷۳) چه بسا، به خاطر اجتناب از زیان مادی دشمن، به خاطر ارباب و عقب‌نشینی، گرفتار ذلتی می‌شویم، که زیان معنوی مهم‌تری است. آنچه مهم است، حفظ عزت کشور و ملت به صورتی حکیمانه، مصلحت‌جویانه از موضع انقلابی است. آری عقب‌نشینی یعنی زانوزدن در برابر دشمن و بوسه بر پنجه‌ی گرگ است.

مؤمن اگر گرفتار حرص و لقمه‌ی حرام شد، و با این صفت مسئولیتی را گرفت، هرگز مسئولیت او مشروع نخواهد بود.

بلای مهم، ضعف مدیریتی بعضی مسئولین و غفلت آنان از ظرفیت‌های کم‌نظیر طبیعی و انسانی و بی‌توجهی به شعارهای انقلاب است.

در قرآن می‌خوانیم «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَخُسُّوهُمْ بِآذِنِهِ حَتَّى إِذَا فَسَلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَ لَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۵۲) و قطعاً خداوند وعده‌ی خود را (مبنی بر پیروزی شما در جنگ احد) محقق گرداند، زیرا که دشمن را با خواست او می‌کشتید، تا آنکه سست شدید

و در کار (جنگ و تقسیم غنائم) به نزاع پرداختید و از (دستور پیامبر) نافرمانی کردید، با آنکه خداوند (پیروزی و) آنچه را (از غنائم) که محبوب شما بود به شما نشان داده بود. برخی از شما خواهان دنیایند (و غنائم جنگی)، و برخی خواهان آخرت (و شهادت در راه خدا). پس آنگاه خداوند شما را از (تعقیب) آنان منصرف ساخت (و پیروزی شما به شکست انجامید)، تا شما را بیازماید، ولی از (خطای) شما درگذشت و همانا خداوند نسبت به مؤمنان، صاحب فضل و بخشش است.

در سال دوم هجری که مسلمانان در جنگ بدر پیروز شدند، خداوند وعده داد که در جنگ‌های آینده نیز پیروز می‌شوند. در سال بعد که جنگ احد واقع شد، پیامبر صلی الله علیه و آله پنجاه نفر مسلح را برای حفاظت از دره‌ها و کوهها نصب کرد. چون جنگ شروع شد، در آغاز مسلمانان حمله کرده و نفس دشمن را گرفته و آنها را شکست دادند، اما متأسفانه در بین آن پنجاه نفر که مسئول حفاظت از کوه بودند، اختلاف شد، عده‌ای گفتند: پیروزی ما قطعی است، پس به سراغ جمع غنائم برویم و عده‌ی کمی همچنان سنگرها را حفظ کردند. دشمن شکست خورده، از همان منطقه‌ای که بدون محافظ مانده بود حمله کرد و این بار مسلمانان ضربه‌ی سنگینی خوردند و شهدای بسیاری دادند، تا آنجا که جان پیامبر در معرض خطر قرار گرفت و بسیاری از مسلمانان پا به فرار گذاشتند. پس از پایان جنگ، مسلمانان از پیامبر صلی الله علیه و آله انتقاد می‌کردند که مگر خدا به ما وعده‌ی پیروزی نداده بود، پس چرا شکست خوردیم؟ این آیه پاسخ می‌دهد که وعده‌ی خدا راست و درست بود، ولی سستی و نزاع و نافرمانی عامل شکست شما شد. آری معنای تحقق وعده‌های خدا، نادیده گرفتن سنت‌های الهی نیست. نصرت خداوند تا زمانی است که شما به وظیفه عمل کنید. **«لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعَدَهُ ... إِذَا فَشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ»** و افراد برای هدف‌های متفاوت جنگ می‌کنند. بعضی برای دنیا می‌جنگند و بعضی برای آخرت. **«مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ»**

البته عامل شکست‌های بیرونی، درونی است. شما در درون سست و نافرمان شدید، لذا در بیرون شکست خوردید. **«فَشِلْتُمْ ... صَرَفَكُمُ عَنْهُمْ»**

ما اگر به الگوی مقاومت و بیداری اسلامی و شکست سیاسی آمریکا در منطقه و زمین گیر شدن همکاران خائن آمریکا و گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی خود پی ببریم، و از تجربیات گذشته درس بگیریم، و به وسوسه‌های مالی و مقامی و تهدیدها بی‌اهمیت باشیم، و به جهاد علمی جوانان توجه داشته باشیم، و بدانیم دشمن در حال احتضار است، هرگز خود را نخواهیم باخت.

۲۲. توجه به اقدامات دشمن

دشمن گاهی تظاهر می‌کند که من صدای جدی و جدید انقلاب را نشنیده‌ام. قرآن به این افراد می‌فرماید: «أَفَلَا تَسْمَعُونَ» او می‌خواهد صداها را با تحریف و دروغ خفه کند: «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ» و پیشنهادهای فریبکارانه را ارائه می‌دهد. نظیر آنکه بعضی از سران قریش به پیامبر گفتند: ای محمد تو یک سال از آیین ما پیروی کن، ما سال بعد از تو پیروی می‌کنیم. آنگاه هر کدام بهتر بود آن را ادامه می‌دهیم، اما پیامبر نپذیرفت و فرمود: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ» (کافرون، ۶)

او با تهاجم روزافزون کانون‌های ضدمعنویت و ضداخلاق و بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای، دل جوانان و نوجوانان و نونهالان ما را منحرف می‌کند: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ» (لقمان، ۶) و برخی از مردم، خریدار سخنان بیهوده و سرگرم کننده‌اند، تا بی هیچ علمی، (دیگران را) از راه خدا گمراه کنند.

شخصی به نام نصر بن حارث که از حجاز به ایران سفر می‌کرد، افسانه‌های ایرانی - مانند افسانه‌ی رستم و اسفندیار و سرگذشت پادشاهان - را آموخته و برای مردم عرب بازگو می‌کرد و می‌گفت: اگر محمد برای شما داستان عاد و ثمود می‌گوید، من نیز قصه‌ها و اخبار عجم را بازگو می‌کنم. این آیه نازل شد و کار او را شیوه‌ای انحرافی دانست.

این آیه به یکی از مهم‌ترین عوامل گمراه کننده که سخن باطل است، اشاره نموده است. در آیات دیگر قرآن، به برخی دیگر از عوامل گمراهی مردم اشاره شده که عبارتند از:

الف: طاغوت، که گاهی با تحقیر «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ» (زخرف، ۵۴) و گاهی با تهدید مردم را منحرف می‌کند. «لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ» (شعراء، ۲۹)

ب: شیطان، که با وسوسه‌هایش انسان را گمراه می‌کند. «يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ» (نساء، ۶۰) و به مخالفین اسلام دستور حمله می‌دهد و می‌گوید امروز شما پیروز هستید.

«لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ» (انفال، ۴۸)

ج: عالم و هنرمند منحرف که با استفاده از دانش و هنرش دیگران را منحرف می‌سازد. «وَ أَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ» (طه، ۸۵)

د: صاحبان قدرت و ثروت، که با استفاده از قدرت و ثروت، مردم را از حق بازمی‌دارند. «إِنَّا أُطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا» (احزاب، ۶۷)

ه: گویندگان و خوانندگان که مردم را سرگرم کرده و آنان را از حق و حقیقت باز می‌دارند. «يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» (لقمان، ۶)

گاهی با تحلیل مغرضانه، مثلاً می‌گفتند افرادی که دور پیغمبر جمع شده‌اند، به خاطر اهداف مادی است، اگر ما به آن‌ها کمک نکنیم، آنان پراکنده می‌شوند. «لَا تَنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا» (منافقون، ۷)

گاهی با مایوس‌سازی مردم، مسئولین و مدیران از آینده، از طریق وارونه نشان دادن واقعیت‌ها «قَلْبُوا لَكَ الْأُمُورَ» (توبه، ۴۸)

گاهی با پنهان‌کردن جلوه‌های امید از طریق نقاط ضعف و شکست خودی‌ها و بزرگ‌نمایی دشمنان که قرآن می‌فرماید: قدرت‌های غیرالهی مثل تار عنکبوت هستند و نصرت خداوند نزدیک است. «نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ» (فتح، ۱۳)

گاهی با بزرگ‌کردن عیوب کوچک، کوچک نشان‌دادن خوبی‌ها، قصد تضعیف و نابودی نابودی نظام را دارند.

ولی باید بدانیم که همه این برنامه‌ها برای خاموش کردن نور اسلام است، آن هم با فوت کردن! در حالی که خداوند می‌فرماید: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلَا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (توبه، ۳۲) می‌خواهند نور خدا را با دهانه‌هایشان خاموش سازند، ولی خداوند جزاین نمی‌خواهد که نور خود را به کمال برساند، هرچند کفّار، ناراحت باشند.

آری تلاش‌های کافران در مبارزه با دین، مثل فوت کردن به خورشید است. (نمرودها، فرعون‌ها، بنی‌امیه و بنی‌عباس و امثال آنان، نمونه‌های عملی تلاش کفارند) «يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ»

دشمنان باید بدانند که با اراده‌ی حتمی خداوند برای پیروزی دین حق، طرف‌اند و هرگونه تلاش بر علیه مکتب اسلام محکوم به شکست است. «يُتِمُّ نُورَهُ»
اما دشمن نمی‌داند که این اقدامات، با قدرت ایمان ملت و انگیزه امت و رهبری الهی و جهاد علمی و اصلاح مشکلات درونی و مرزبندی قاطع و منطقی یکی پس از دیگری خنثی خواهد شد.

۲۳. توجه به اقتصاد

اقتصاد، هدف نیست، اما وسیله است. اقتصاد اگر ضعیف باشد، زمینه نفوذ دشمن، دخالت دشمن، و سلطه‌ی دشمن است. و اگر قوی باشد، وسیله‌ی قدرت کشور و عزت کشور خواهد بود.

اسلام طرفدار تولید است و می‌فرماید: زمین و آسمان و باد و باران و میوه و نهرها و نور را مسخر شما کردم و این شما هستید که باید با تلاش از این منابع استفاده و تولید کنید. «وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود، ۶۱)

در حدیث می‌خوانیم کسی که آب و خاک دارد، ولی فقیر باشد، خدا او را از لطف خودش دور می‌کند. «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَاباً ثُمَّ افْتَقَرَ فَاْبَعْدَهُ اللَّهُ» (قرب‌الاسناد، ص ۵۵) آن هم تولید با کیفیت!

امت اسلامی باید در همه چیز از جمله تولیدات، سبب عزت اسلام شوند. یعنی همین که مردم بدانند سازنده آن مسلمان است، به خاطر تولید باکیفیت علاقمند به اسلام شوند.

«كُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شِينًا» (أمالی صدوق، ص ۴۰۰)

اسلام طرفدار توزیع عادلانه، به اندازه، بی‌اسراف، همراه با مدیریتی خردمندانه است. اقتصاد ما نباید وابسته به نفت و دلار آن باشد و از ظرفیت داخلی استفاده نکنیم.

قرآن از قول حضرت یعقوب می‌فرماید: او به پسران خود سفارش کرد، «**لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ**» (یوسف، ۶۷) آری برای پیدا کردن یوسف نباید از یک طریق اقدام کرد. این خود یک اصل است که خداوند حکیم، در مخلوقات نیز این حکمت را به کار برده است. مثلاً اعضای بدن جفت است که با حذف یکی، انسان در زندگی فلج نشود. باید انسان در حل مسایل اقتصادی گزینه‌های متعددی داشته باشد تا با تمام شدن نفت، یا نخریدن آن، کشور فلج نشود.

اقتصادی برپاست که از درون باشد، مولد باشد، دانش‌بنیان باشد، مردمی باشد، نه دولتی! دشمن می‌خواهد از بیرون با تحریم، وسوسه، و تبلیغات، مسلمانان را به چالش بکشد. قرآن می‌فرماید: «**إِنْ تَمَسَسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَ إِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَ إِنْ تَصِبْرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضْرِبْكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنْ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ**» (آل عمران، ۱۲۰) اگر خوبی به شما رسد، آنان را غمگین سازد و اگر بدی به شما رسد، آنها بدان شادمان می‌شوند و اگر (در برابرشان) صبر کنید و پرهیزکار باشید، حیلۀ بدخواهانه‌ی آنان هیچ‌گونه آسیبی به شما نرساند. همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهند احاطه دارد.

بنابراین شما باید اهل صبر و تقوا باشید، تا حیلۀ‌های آنان ضربه‌ای به شما نزند. گاهی چالش از درون است، مثلاً به خاطر حرص‌ها، بخل‌ها و کسالت‌ها، تن‌پروری‌ها و ضعف‌های مدیریتی و عیب دانستن کار، اقتصاد ما دچار آسیب می‌شود. که هر یک از این مسایل در آیات و روایات نمونه‌هایی دارد.

واژه‌های زیادی داریم که مربوط به اقتصاد است، و با نگاه به آن می‌توان سیمای اقتصاد در اسلام را به دست آورد. مال و ثروت، آب و خاک، باران و طبیعت، کار و تلاش، شرکت و تعاون، مصرف و اسراف، بیت‌المال، حق‌الناس، خمس و زکات، رزق حلال، قرض الحسنه، وقف، بازار، نظارت و بازرسی، توزیع عادلانه، کشاورزی، صرفه‌جویی، محکم‌کاری و استاندارد، درختکاری، محاسبه و بازرگری، حقوق، خدمت و مدیریت، خودباوری و خودباختگی، محیط زیست، امنیت اقتصادی و ده‌ها موضوع دیگر که به نحوی در تولید و توزیع و مصرف نقش دارند. این از یک سو! از سوی دیگر، بسیاری از

مسائل اعتقادی و اخلاقی به نوعی در تولید و توزیع و مصرف و شیوه مدیریت اثرگذار است.

حساب کسانی که با عقیده و ایمان و عشق ساختمان می‌سازند، از حساب کسانی که بر اساس مزایده و مناقصه و با هدف سود بیش‌تر چیزی می‌سازند تفاوت دارد. در دنیا مهم‌ترین ساختمان‌ها مساجد و کلیساها هستند که بر اساس عشق و عقیده ساخته شده‌اند.

حساب مادر و همسری که بر اساس محبت غذا می‌پزد، از حساب رستورانی که برای کسب درآمد غذا فراهم می‌کند، جداست.

هزار کارگر و کارمند زن، مادر نمی‌شود و ترکیب هزاران مواد غذایی شیر مادر نمی‌شود. در همه مسائل، از جمله مسائل اقتصادی: باید به ایمان و اخلاق و علاقه و انگیزه توجه کرد.

۲۴. رعایت اولویت‌ها

در همه مسائل رعایت اولویت‌ها لازم است. چه بسیار تحقیقات و پژوهش‌هایی انجام می‌گیرد و بودجه‌هایی هزینه می‌شود که به خاطر عدم توجه به اولویت‌ها آن تحقیقات هیچ ثمره‌ای ندارد. در قرآن می‌خوانیم در انفاق، اولویت با والدین و بستگان است. «قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ» (بقره، ۲۱۵) در حدیث نیز می‌خوانیم: «لَا صَدَقَهَ وَ ذُو رَحِمٍ مُّحْتَاجٍ» (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۸)

۲۵. اقتصاد هدفمند

اسلام در کنار تولید و مصرف، هدفمندی آن را گوشزد کرده است. در کنار فرمان مصرف می‌فرماید: «کلوا... و لاتسرفوا» (اعراف، ۳۱) در خوردن زیاده‌روی نکنید.

یکجا می‌فرماید: «کلوا... و اشکروا» (بقره، ۱۷۲) به خاطر خوردن از خداوند تشکر کنید.

یکجا می‌فرماید: «کلوا... و اعملوا صالحاً» (مؤمنون، ۵۱) با قدرتی که از غذا خوردن

بدست می‌آورید کار نیک انجام دهید.

یکجا می‌گوید: «کلوا... و لاتطغوا فیه» (طه، ۸۱) از قدرتی که به وسیله غذا بدست آورده‌اید طغیان نکنید.

یکجا می‌فرماید: «کلوا... و اتوا حقه» (انعام، ۱۴۱) بخورید و حق آن را اداء کنید.

و یکجا می‌فرماید: «فکلوا... اطعموا» (حج، ۲۸) بخورید و به دیگران نیز اطعام کنید.

از این آیات استفاده می‌شود که نه تنها تولید باید هدفمند باشد، مصرف نیز باید جهت‌دار باشد. آن هم هدف و جهتی در راستای رشد فرد و جامعه! وگرنه تولیدی که در راستای رشد نباشد، مورد لعنت است.

در حدیث می‌خوانیم: پیغمبر در مورد شراب، ده گروه را نفرین کرد: «لَعَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَ غَارِسَهَا وَ عَاصِرَهَا وَ شَارِبَهَا وَ سَاقِيَهَا وَ بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِيَهَا وَ أَكَلَ ثَمَنَهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ» (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۸)

۲۶. تعدیل ثروت

خمس و زکات، گامی برای مهار ثروت است. اسلام از یک سو دست افراد قوی، مبتکر، پرکار و خلاق را در مالکیت باز گذاشته تا مانع رشد آنان نشود و از سویی درآمدهایی از قبیل ربا، سرقت، رشوه، اختلاس و... را ممنوع دانسته است. اما به مالکین درآمدهای حلال اجازه نمی‌دهد تا درآمد خود را هرگونه که خواستند مصرف کنند و آنان را از اسراف و تبذیر و ثروت‌اندوزی نهی فرموده است و در مقابل، با واجب‌نمودن خمس و زکات و کفّارات و سفارش اکید به انواع کمک‌ها و صدقات، بخشی از اموال آنان را با علم، اراده، عشق و ایمان برای حل مشکلات طبقه محروم گرفته است.

صدها آیه در قرآن درباره انفاق، ایتاء، اعطاء، جهاد مالی، زکاة، خمس، صدقه، کفاره، قرض‌الحسنه و امثال آن برای محرومیت‌زدایی و تعدیل ثروت آمده است و از هر راهی این مسأله را دنبال می‌کند. در کنار نماز، زکات را می‌آورد. در کنار روزه‌خواری، اطعام شصت فقیر را به عنوان کفاره قرار می‌دهد. اولین سهم زکات را برای فقرا و مساکین قرار می‌دهد. بخشی از خمس را برای محرومان قرار داده است. در جهاد و غنایم جنگی

سهمی به فقرا داده شده است. در عید فطر، به زکات فطره و نان فقرا توجه دارد. در عید قربان، به ذبح حیوان و گوشت فقرا توجه دارد.

۲۷. نکاتی درباره اقتصاد اسلامی

رشد اقتصاد باید درونی باشد، نه وابسته به بیگانگان! که در این صورت مسلمانان باید ذلت خود را نسبت به بیگانه مشاهده کنند. در حالی که قرآن می‌فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)

اقتصاد باید مولد باشد. پیامبر اسلام، هرگاه میان مسلمانان مسابقه برگزار می‌کرد، جایزه برندگان جوایزی مولد بود. یعنی یا شتر حامله، یا درخت خرما! که شتر حامله تولید کننده، گوشت، کرک، شیر، حمل و نقل، و درخت خرما نیز تولیدکننده چوب، خرما، سایه است. امروز جوایز دنیا معمولاً مصرفی و تجملاتی است.

علمی و دانش‌بنیان باشد، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَ» (کافی، ج ۵، ص ۱۵۰) امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ارْتَبَطَ فِي الرَّبَا» (کافی، ج ۵، ص ۱۵۴) کسی که بدون علم دست به تجارت بزند، در دام ربا می‌افتد.

مردمی باشد، نه دولتی! قرآن می‌فرماید: «أَمْ السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ» (کهف، ۷۹) آن کشتی، از آن بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند. از این آیه استفاده می‌شود که حتی افراد مسکین می‌توانند، با نوعی قرارداد شرکتهای تعاونی تأسیس کنند و از طریق آن درآمدی کسب کنند.

۲۸. توجه به معنویات

خالق هستی در کتاب آسمانی نگاه بشر را فراتر از مادیات قرار داده است. و برای هر کاری از دو زاویه مادی و معنوی مسایلی را مطرح کرده است. کوتاه سخن آنکه در فرهنگ اسلام برای بسیاری از امور مادی، مشابه معنوی نیز وجود دارد. برای مثال: امروز هر جا سخن از محیط زیست می‌شود، ذهن‌ها فقط به سراغ آب و خاک و جنگل و باد و

باران و امثال می‌رود، اما اسلام علاوه بر آیات و روایات بسیاری که مربوط به حفظ محیط زیست معنوی است، یک نگاه بالاتری دارد:

۱- امر به معروف و نهی از منکر، راهبردی اساسی برای حفظ سلامت محیط زیست اجتماعی بشر است.

۲- حفظ عفاف و حجاب، برای جلوگیری از تیرج و خودنمایی زنان و مردان و مشغول ساختن ذهن و دل شهروندان به خودنمایی، فحشاء و منکرات است.

۳- خلوت با نامحرم، منع از نجوا و درگوشی صحبت کردن، تحریم غیبت، و تجسس و تهمت و سوءظن و امثال آن، راهی برای نگهداری محیط زیست معنوی و کیفی‌سازی آن برای زندگی جمعی است.

۴- نهی از مطالعه کتاب‌های انحراف‌آمیز و سوق‌دهنده به کفر و دین‌گریزی، نهی از معاشرت با افراد نااهل و فتنه‌جو، حفظ ظواهر دینی در رفتار و گفتار و بالاخره مراعات ادب اجتماعی در روابط میان‌فردی، نمونه‌هایی از بستر سازی برای تأمین محیط زیست سالم است. ایمان، توکل، ایثار، اخلاص، خیرخواهی و دلسوزی، گذشت، کمک‌شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس در جامعه می‌تواند از مصادیق محیط زیست معنوی باشد و بسیاری از مشکلات اخلاقی و مفاسد اجتماعی را توسط این‌گونه صفات برطرف کرد.

هم چنین در نگاه مادی و معنوی:

الف) خوراک مادی: «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ» (مومنون، ۵۱)

خوراک معنوی: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس، ۲۴) که امام علیه‌السلام می‌فرماید: «الی علمه» (رجال کشی، ج ۴، ص ۳) یعنی، ببیند چه می‌آموزد.

ب) لباس مادی: «سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ» (نمل، ۸۱)

لباس معنوی: «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ» (اعراف، ۲۶)

ج) زینت مادی: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف، ۳۱)

زینت معنوی: «حَبَبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات، ۷)

د) سفر مادی: «وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ» (بقره، ۲۸۳)

سفر معنوی: «إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا» (انشقاق، ۶)

ه) رزق مادّی: «مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ» (بقره، ۲۲)

رزق معنوی: «و ارزقنی حج بیتک الحرام» (دعای ماه رمضان)

و) شیرینی مادّی: «حلاوة الدنيا» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۱)

شیرینی معنوی: «حلاوة الايمان» (بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۲۰۱)

ز) پاداش مادّی: «جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (بقره، ۲۵)

پاداش معنوی: «وَرْضَاوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (توبه، ۷۲)

ح) پدر مادّی: «وَوَالِدٍ وَا مَا وَلَدٌ» (بلد، ۳)

پدر معنوی: «أَنَا و على ابوا هذه الامة» (بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۱)

ط) هجرت مادّی: «وَوَاهِجْرُوا» (انفال، ۷۲)

هجرت معنوی: «وَالرَّجْزَ فَاهْجُرْ» (مدثر، ۵)

۲۹. توجه به هویت

امروز طراحان فاسد و مفسد می‌نشینند و برای سبک‌زندگی غربی در سایر کشورها برنامه‌ریزی می‌کنند، به گونه‌ای که دیر یا زود در همه کشورها نسل نو سربازان آن‌ها باشند. در اخلاق، اقتصاد، رفتار و گفتار، لباس و آرایش، دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، نوشتنی‌ها، همه و همه سبکی شود که نسل نو بی‌هویت و مثل موم در اختیار شرق و غرب باشد و جوان ما طوری تربیت شود که حتی در آرایش سر و صورت خود، از خود اختیاری نداشته باشد. بلکه هر سازی زدند او برقصد. این بی‌هویتی را در فضای حقیقی و مجازی فراوان می‌بینیم.

اگر انسان برای خود ارزشی قائل بشود، هرگز تسلیم هر حرف و شعار و موجی نمی‌شود.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ان ثمنک الجنة» خود را به کمتر از بهشت نفروشید.

تمام آیات «فَمَا رَبَّحَتْ» (بقره، ۱۶)، «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ» (عصر، ۲)، «بِئْسَمَا

اشْتَرَوْا» (بقره، ۹۰)، «خسران مبین» و امثال آن نشان‌دهنده آن است که وجود انسان

ارزشمند است. «قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ» (زمر، ۱۵)

انسان اگر بنده غیر خدا باشد، خود را مفت فروخته است، غیر خدا نه مالک اند، نه رازق اند، نه قادرند و نه بینا، نه شنوا، نه حکیم، نه رحیم و...

اسلام، انسان را موجودی با اراده، بی نهایت طلب، خلیفه‌ی خدا با بهترین قوام «أَحْسَن تَقْوِيمٍ» (تین، ۴)

دارای روح الهی «وَوَفَّخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر، ۲۹)

مسجود فرشتگان «اسْجُدُوا لِلَّهِ» (بقره، ۳۴)

وصل به خدا «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶)

برای هدفی مقدس «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶)

و تمام هستی را در راستای خدمت به بشر می‌داند. «سَخَّرَ لَكُمْ، مَتَاعًا لَكُمْ»

انسان موجودی است ابدی و می‌تواند با ایمان و عمل به تمام مراحل کمال برسد. حتی اگر توفیق نداشت، با نیت می‌تواند ارزش‌ها و پاداش‌های آن کمال را برای خود ذخیره کند.

همه این‌ها نشان‌دهنده ارزش انسان و هویت اوست.

افرادی بی هویت سعی دارند، دیگران را نیز بی هویت کنند.

قرآن برای هویت بخشی به انسان‌ها آیات فراوان دارد. از جمله:

۱- معبود تو، خدای علیم حکیم قادر رؤوف است

۲- راهنمای تو پیامبر و امامان معصوم هستند.

۳- قانون تو قرآن، وحی آسمانی است.

۴- هیچ عملی از تو ضایع نمی‌شود. «لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى»

(آل عمران، ۱۹۵)

۵- زن و مرد در رسیدن به مقامات عالی یکسان هستند. «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» (احزاب، ۳۵)

اگر انسان قرآنی را با انسانی که مکتب‌های غیرالهی ترسیم کرده‌اند، در دو تابلو روبروی هم قرار بدهیم، به هویت انسان در اسلام و بی‌هویتی در مکتب‌های دیگر پی‌می‌بریم.

۳۰. نگاه جمعی

اسلام به خاطر آن که مکتب خود را بر پایه عقل و فطرت گذاشته است، چشم‌اندازش کل بشریت است. یعنی دفاع را برای همه‌ی مظلومان، عزت و پیشرفت و خدمت و ثروت را برای همه می‌خواهد. کمالات را برای همه‌ی عصرها و نسل‌ها و عرصه‌ها و کشورها می‌داند. در آموزه‌های دینی مشاهده می‌کنیم که انسان حتی اگر به تنهایی نماز می‌خواند، حق ندارد فقط خودش را ببیند، بلکه باید بگوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» (فاتحه، ۵) یعنی همه‌ی ما بنده‌ی تو هستیم.

هدایت را برای همه می‌خواهد، «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه، ۶) به همه سلام می‌کند: «السلام علينا»

اگر دعا می‌کند، برای همه‌ی فقراء، اسراء، مرضاء، در راه‌ماندگان، غریبان و... دعا می‌کند. «اللَّهُمَّ اَعْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ اَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اَكْسُ كُلَّ عَرِيَانٍ اللَّهُمَّ اَقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَن كُلِّ مَكْرُوبٍ» این روحیه برخاسته از همت بلند و اتصال به بی‌نهایت است. کسانی که خودبین و خودخواه هستند، نمی‌توانند این‌گونه با سعه‌ی صدر برخورد کنند.

سفارشات اسلام برای همه است. اگر سخن از تلاش، تحصیل، لقمه‌ی حلال، کمک به مظلومان می‌شود برای همه است و استثناء ندارد.

۳۱. پویایی

گاهی در بعضی افراد، جمعیت‌ها، مناطق، فکر یا حرکت خوبی پیدا می‌شود، ولی با گذشت مدتی اختلاف و انشعاب و دل‌سردی پیدا می‌شود. این اسلام است که می‌فرماید: «الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (زخرف، ۶۷) یعنی جز افراد باتقوا ارتباطات مردم به بدبینی و دشمنی تبدیل می‌شود. از الطاف خداوند به انسان آن است که ورود و خروجش به این دنیا، صادقانه بدون شک، بدون دل‌سردی، بدون فتنه و فساد و ختم به خیر شود. قرآن می‌فرماید: «وَ قُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ» (اسراء، ۸۰) و در ستایش حضرت عیسی علیه‌السلام می‌فرماید که عیسی روز

تولد و روز وفات و روز قیامتش همراه با سلامتی بود. «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» (مریم، ۳۳)

حضرت یوسف از خداوند حسن عاقبت درخواست کرد و گفت: «تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَ آلْحَنِينِ بِالصَّالِحِينَ» (یوسف، ۱۰۱)

حضرت علی همین که خبر شهادتش را از پیامبر شنید، به جای آنکه بپرسد کجا و به دست چه کسی، و به چه دلیل من شهید می‌شوم، فقط سؤالش این بود که فرمود: «ا فی سلامة من دینی؟» یعنی آیا لحظه‌ی شهادت دین من سالم خواهد بود؟ دینداری مهم است، ولی دیندارماندن مهم‌تر است. قرآن از دینی سخن می‌گوید که استوار باشد نه عاریه‌ای! «وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ» (بینه، ۵)

کوتاه سخن آنکه انقلابی بودن مهم نیست، انقلابی ماندن مهم است.

به لطف خداوند انقلاب ایران، ماندگار و پویا و بی‌شک استوار خواهد ماند و اگر گاه و بی‌گاه ریزشی داشت، در کنارش رویش‌هایی نیز بوده است و این وعده‌ی خداوند است که می‌فرماید: «مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ» (مائده، ۵۴) هر کس از شما که از دین خود برگردد (به خدا ضرری نمی‌زند، چون خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند.

حتی کسانی که از مسایل، یا افراد و روش‌ها و مدیریت‌ها و سیاست‌هایی انتقاد می‌کنند، اصل اسلام و انقلاب و نظام را قبول دارند و همین که احساس کنند که بیگانگان به فکر تجزیه هستند، بیش‌تر با هم متحد می‌شوند.

۳۲. پاکدستی و پارسایی

شرط پاکدستی برای همه واجب و برای مسئولین واجب‌تر است. برخورد امیرالمؤمنین حتی نسبت به تقاضای برادرش عقیل را شنیده‌اید که همین که او تقاضای سهم بیش‌تری کرد، حضرت آهنی داغ کرد و نزدیک دست برادر آورد و گفت: تو اگر از حرارت این آتش در هراسی، من از آتش قیامت ترسانم. و در جای دیگر فرمود: «وَ إِنِّي أَقْسِمُ

بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لَّيْنٌ بَلَّغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لِأَشَدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ ثَقِيلَ الظَّهْرِ ضَبِيلَ الْأَمْرِ وَالسَّلَامِ» (نهج البلاغه، نامه ۲۰)
به خدا سوگند، سوگندی راست! که اگر آگاه گردم که در مال مسلمانان، کم یا زیاد، خیانت ورزیده ای، چنان بر تو سخت گیرم که اندک مال و گران پشت از فاقه و خوار مایه گردی.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «دَخَلْتُ بِلَادِكُمْ بِأَشْمَالِي هَذِهِ وَرِحْلَتِي وَرَاحِلَتِي هَا هِيَ فَإِنْ أَنَا خَرَجْتُ مِنْ بِلَادِكُمْ بِغَيْرِ مَا دَخَلْتُ فَإِنِّي مِنَ الْخَائِبِينَ.» (بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۵) ای مردم عراق! (پایتخت آن کوفه) من با این بار و بند و رحل و راحله و این چند اثاث از حجاز به دیار شما آمدم و اکنون پس از چند سال فرمانروایی بر شما اگر با غیر این رحل و راحله و این چند شمله از اینجا بیرون رفتم، من از خیانتکاران خواهم بود.

والحمد لله رب العالمين